

# حقیقت

نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت • شماره هفتم • شنبه ۲۰ آذر ماه ۱۳۹۵

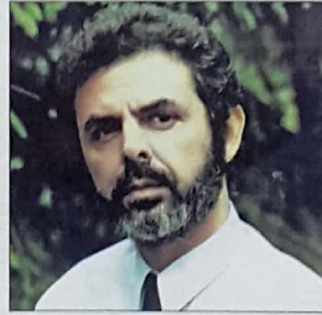
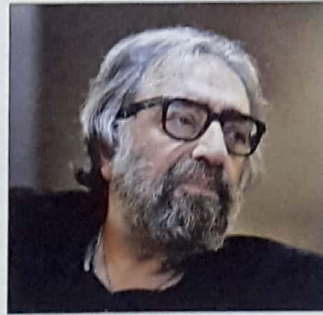
CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL.No.7.SAR,10<sup>TH</sup> DEC.2016

## جادوی پرتره ها در سینما حقیقت

پرونده ای برای هیجان انگیزترین گونه مستند در جشنواره امسال



عکس: محمد مهدی نادر استاده



### سینمای مستند یک صنعت است

مصطفی رزاق کریمی از وضعیت ساخت فیلم مستند در ایران و شرایط فیلمسازی در کشورهای دیگر می گوید

8

### جادوی تصاویر آرشیوی

گزارشی از کارگاه الیزابت کلینک و اووه یانسن با موضوع چگونگی استفاده از وب سایت ها برای بهره برداری از تصاویر آرشیوی

14

### دور خیز برای سکوی فیروزه های

با معرفی نامزدهای بخش های اصلی حالا همه منتظر رونمایی دهمین جشنواره سینما حقیقت از پرترین های نهایی هستند

16

# استقبال متر اکم

حال و هوای پردیس چارسودر ششمین روز از دهمین جشنواره  
«سینما حقیقت»



به استناد جدول اکران، ششمین روز جشنواره از نظر زمانی کوتاه تر از روزهای قبل بود. سانس های اکران مستند در روز جمعه از ساعت ۱۴ آغاز می شد و برخلاف روزهای گذشته خبری از اکران های صبحگاهی نبود. اما این افت کمی در تعداد فیلم های اکران شده، اصلاحات کمی استقبال کنندگان را به دنبال نداشت و اتفاقاً جمعیتی بیش از روزهای گذشته استقبالی متر اکم شده در سانس های عصرگاهی را به نمایش گذاشتند! تعجبی هم نداشت البته؛ به استناد همان جدول، فیلم های مهمی قرار بود در روز جمعه روی پرده برود و این یعنی آماده باش برای یک روز پر هیاهو!

حالا کنجگاه بودند بر اساس اعلام نظر تخصصی داوران جشنواره تماشای فیلم های برتر را از دست ندهند. به همین دلیل هم روز ششم یکی از پرسش های متداول سوال از زمان و مکان اکران فیلم هایی بود که در فهرست نامزدها سهمی پر رنگ داشتند. این اتفاق البته با نهای شدن ترکیب فیلم هایی که موفق به اخذ مجوز سانس ویژه شده بودند، همراه شد و طبیعی هم بود که رکورد داران نامزدی در فهرست داوران، شانس بالاتری برای اکران ویژه داشته باشند.

### آخرین فرصت

فارغ از تمام آن چه تا به امروز درباره جشنواره و حال و هوای حاکم بر پردیس چارسو نوشتیم، امروز (شنبه) که نشریه روزانه را در دست دارید و مطالعه می کنید، آخرین روز اکران فیلم های مستند در قالب دهمین جشنواره بین المللی سینما حقیقت است. پس فرصت را از دست ندهید و تا می توانید از تماشای «مستند» در فضای گرم «جشنواره» لذت ببرید.

### زمزمه نامزدها

فارغ از جدول اکران اما اتفاقی که از همان دقایق اولیه رسمیت یافتن برنامه های جشنواره در روز ششم به وضوح بر حال و هوای حاکم بر پردیس چارسو سایه انداخته بود، اعلام رسمی نامزدهای دو بخش اصلی جشنواره بود. انتشار فهرست نامزدهای بخش ملی و جایزه شهید آوینی تبدیل به مهم ترین خبر روز شد و خیلی زود گندهای علاقه مندان و مستندسازان در گوشه و کنار پردیس با یک دستور کار مشخص شکل گرفت: آیا هیأت داوران منصفانه عمل کرده است! این سوال تکراری همه جشنواره ها در روز رونمایی از فهرست نامزدهاست و طبیعی بود «سینما حقیقت» هم از آن محروم نماند! فهرست نامزدها در صفحه ۱۶ بخوانید.

### شکار ویژه ها

اعلام نامزدها اما وجه دیگری هم داشت و آن این است که علاقه مندان و مستندسازانی که از روز نخست جشنواره به استناد اخبار و اطلاعات درج شده در کاتالوگ و نشریه روزانه دست به انتخاب فیلم برای تماشای می زدند،

### نگاه اول

1 در عصر دیجیتال، وضعیت دسترسی به جهان تاریخی دیگرگون شده و فن آوری دیجیتال و وجود دوربین، شرایط را متفاوت کرده است. البته دوربین دیجیتال، بسیاری از گرفتاری های نور و صدا را حل کرده، ولی ایجاز را نیز مختل ساخته است. ضبط تصاویر همواره نخستین وظیفه مستندسازان و کارکرد فیلم مستند بوده است. اما مستندسازی از جایی دیگر شروع می شود؛ از جایی که صدای مستندساز شنیده شود. مستندسازی عبارت است از درک مستندساز از جهان؛ چیزی که در تصاویر مستندگونه وجود ندارد.

2 از قدیم، دو تعریف مستند: «سرورش خلاق امر واقع» و «اجرای خلاق و روایی امر واقع» بوده است. پرورش خلاقه آن چه در برابر دوربین در حال رخ دادن است یا دگرگون کردن واقعیت به صورت یک روایت، بازسازی و حتی انیمیشن، این تعریف را تکمیل کرده اند. خلاقیت در مستندسازی، طرح نو و نگاه متفاوت به واقعیت، تعریف شده است، یعنی شکل دیگری از دیدن، پرورده و کار کردن با ایده و فکر جدید، تأمل، دقت و تفکر روی یکایک مولفه های فیلمسازی، از یافتن موضوع مساله محور و پژوهش دست اول سینمایی و کشف نکته های تازه و ناب گرفته تا تبدیل پژوهش به زیبایی های بصری به مدد خط و نور، سایه روشن، ترکیب بندی صدا و بیرون کشیدن میزانسن از درون ذهن آدمی، همه جنبه های خلاقیت اند، به عبارت دیگر تا زمانی که می شود در تحول رخداد شرکت کرد، به گفتار منوسل نشود، بیرون کشیدن روایت از درون زندگی به خلاقیت نیاز دارد، بر رخ روایت را به مدد مونتاز به وجود می آورند. البته خلاقیت امری استاندارد پذیر نیست و به اندازه ذهن و توان آدمی گسترده است، ولی با حضور در مناسبات کیفی، فنی و تولید شگوفاتر می شود.



مستندساز محمدتقی نژاد

3 یکی از مهم ترین نیازهای سینمای مستند ایران نقد درونی است. سینمای مستند ایران به صورتی تخصصی نقد نمی شود. مستندهای ایرانی باید مخاطب را به تماشای و خرج کردن برای تماشای ترغیب کند، باید همچنان به دنبال تکمیل چرخه اقتصادی سینما باشد و تماشاگر را پای پرده سینما و جلوی تلویزیون میخکوب کند. چنین سینمایی باید در موفقه های درونی اش، یعنی موضوع مساله مدار، ساختار سینمایی و زیبایی های بصری اش رشد کند و ارتقا یابد.

4 در امر پژوهش، متغیرهای مختلفی وجود دارد. بخشی از پژوهش مربوط به افراد است و همان روحیه پژوهشگری، اعتماد به نفس و نهراسیدن از مشکلات برای انجام کار تا وصول به حقایق مورد نیاز یا رسیدن به هدف، اصل قرار می گیرد. در جایی که از جان مایه گذاردن به تنهایی کفایت نمی کند، اعتبار و بودجه پای به میدان می گذارد، به همین دلیل یکی دیگر از متغیرهای مستقل، سازمان های تولیدی هستند که نیاز به پژوهش را حس کرده و به اصطلاح برایش بودجه و زمان تعریف می کنند.



## لطفا جذاب باشید!

بازار فیلم مستند دهمین جشنواره سینما حقیقت در روز سوم بر پای هم با استقبال مستندسازان همراه شد

داشته باشد؟ در جشنواره سینما حقیقت تماشای فیلم ها رایگان است و این نعمت بزرگی محسوب می شود، اما در فستیوال تورنتو مردم با خرید بلیت های گران به تماشای فیلم ها می نشینند، به همین دلیل باید در فیلم شما توجه قابل قبولی برای مخاطب وجود داشته باشد، تا از زمان و تفریحات خود زده و با پرداخت هزینه به تماشای آن بنشینند. خوب است که در فیلم های مستند موضوعات سخت و ناراحت کننده بیان شوند، اما باید به جذابیت فیلم برای مخاطب هم توجه داشت.

روز گذشته با هم غرفه بازار فیلم جشنواره سینما حقیقت میزان کارشناسان و صاحب نظران بین المللی سینمای مستند بود نخستین جلسه این بازار در ششمین روز از جشنواره با حضور تام پاورز، مدیر بازار جشنواره مستند تورنتو و مدیر جشنواره مستند نیویورک، آمریکا برگزار شد. پاورز در ابتدای این نشست که به معرفی آثار مستندسازان به جشنواره های جهانی اختصاص داشت، گفت: «نخستین پرسشی که باید از خود بپرسید این است که آیا فیلم من می تواند برای بیننده خارجی جذابیت

## به تماشای موهای سپید

«خرد و تجربه» یکی از بخش‌های جنبی جشنواره امسال است و فیلم‌هایی مرتبط با دوران بازنشستگی در قالب آن مورد ارزیابی و داوری قرار گرفتند. فارغ از کارکردهای مفهومی و محتوایی این بخش که جشنواره دهم را حداقل برای بازنشسته‌ها کاربردی تر کرد، برنامه‌ریزی مسئولان این بخش هم در نوع خود تجربه جالبی را رقم زد. گروهی از بازنشستگان عضو صندوق بازنشستگی از نخستین روز جشنواره هر روز مهمان این رویداد می‌شدند و بعد از گپ و گفت کوتاه در غرفه اختصاصی «خرد و تجربه» در طبقه ششم مورد پذیرایی قرار می‌گرفتند. این دوره‌ای که غالباً پیش از ظهر برگزار می‌شود، فضای متفاوتی به نسبت دیگر برنامه‌های گروهی جشنواره داشت و گرد هم نشستن چهره‌هایی خندان و پرانرژی با موهای سپید، سیمای جشنواره را تماشایی‌تر می‌کرد.



## مهمانان آخر



هر چند به آخرین روزهای برگزاری جشنواره دهم سینماحقیقت رسیده‌ایم، اما هنوز تلاش فیلمسازان جهت دعوت از چهره‌های ویژه برای داغ تر شدن آکران ادامه دارد. شب گذشته در یکی دیگر از سانس‌های شلوغ آکران فیلم مستند «دیپلماسی شکست‌ناپذیر آقای نادری» در جشنواره، بهتاش صناعی‌ها میزبان بازیگر متفاوت نخستین فیلم سینمایی خود یعنی استاد محمد شمس‌لنگرودی بود. شاعر و نویسنده شناخته‌شده‌ای که برای نخستین بار در فیلم «احتمال باران اسیدی» ساخته سینمایی بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم در مقام بازیگر حاضر شد، حالا برای تماشای حاصل تجربه متفاوت این زوج فیلمساز در سینمای مستند، مهمان جشنواره سینماحقیقت شد. این حضور با استقبال ویژه مخاطبان هم همراه بود. امیر شهاب رضویان، کارگردان سینماهم از دیگر مهمانان ویژه ششمین روز جشنواره دهم بود. باید دید امروز در واپسین روز آکران مستند هادر پردیس چارسو کدام چهره‌ها لنز دوربین عکاسان را به سمت خود می‌کشاند.

## کیفیت یا گنجایش

یکی از دشواری‌ها برای تماشای مستند در جشنواره برآمده از مهم‌ترین امتیازات و برکات این رویداد است. میزان بالای استقبال از فیلم‌های مستند، موجبات برخی دشواری‌ها در مسیر حضور در سالن آکران و تماشای فیلم را برای مهمانان جشنواره به وجود آورد. هر چند این استقبال امیدوارکننده، نظم برگزاری این رویداد را با چالش جدی مواجه نکرد، اما صاحب‌نظران را به فکر انداخت، تا شاید برای دوره‌های بعدی شرایط ایده‌آل‌تری فراهم شود. جعفر صناعی مقدم به عنوان یکی از اعضای شورای سیاستگذاری گروه هنر و تجربه یکی از این کارشناسان است که روز گذشته در گفت‌وگو با ستاد جشنواره با اشاره به این که «استقبال زیادی از جشنواره امسال شده، اما به دلیل کوچک بودن سالن‌ها بسیاری از افراد موفق به تماشای فیلم‌ها نشده‌اند» به نکته جالبی هم اشاره کرد و در مقام یکی از مشاوران دبیر جشنواره توضیح داد: «خود ما می‌دانستیم که سالن‌ها کوچک هستند، اما اولویت تمرکز سالن‌ها در یک محل بود تا همه شرکت‌کنندگان در جشنواره بتوانند حداقل ارتباطات با یکدیگر داشته باشند. میان کیفیت نمایش و گنجایش سالن مجبور شدیم کیفیت را انتخاب کنیم.»

## ویژه‌های آخر



فیلم‌های «بزم رزم»، «آتش در دریا»، «زنانگی»، «همجا» و «بهتر از زندگی»، «کامرکس»، «ساحل‌ها زیر آفتاب امن و امان شمال»، «مردان ارباب جمشید» و «روزگار بهروز» آخرین فیلم‌هایی هستند که به صورت ویژه در جشنواره دهم سینماحقیقت روی پرده می‌روند. امروز مستندهای «بهتر از زندگی» و «همجا» ساعت ۱۴:۳۰ در سالن شماره سه و «زنانگی» ساخته محسن استادعلی در سانس ۲۲:۴۵ سالن شماره یک روی پرده می‌روند. «پداده در زمان» به کارگردانی اعظم نجفیان و علی محمد قاسمی سانس ۱۱ سالن شماره پنج و مستند «بزم رزم» سانس ۲۱:۳۰ سالن شماره سه را به خود اختصاص داده‌اند. «کامرکس» و «ساحل‌ها زیر آفتاب امن و امان شمال» در سانس ۹:۴۵ سالن شماره چهار به نمایش درمی‌آید. «روزگار بهروز» و «مردان ارباب جمشید» سانس ۱۹:۳۰ سالن شماره چهار را به خود اختصاص دادند.

## چهره‌ها



■ حسام اسلامی  
همراه مهمان

«مهمان دایره بیستم» از فیلم‌های ویژه جشنواره بود که علاوه بر مخاطبان نظر هیات داوران را هم به خود جلب کرد. آخرین فرصت تماشای این مستند امروز ساعت ۱۷:۱۵ در سالن ۵ است.



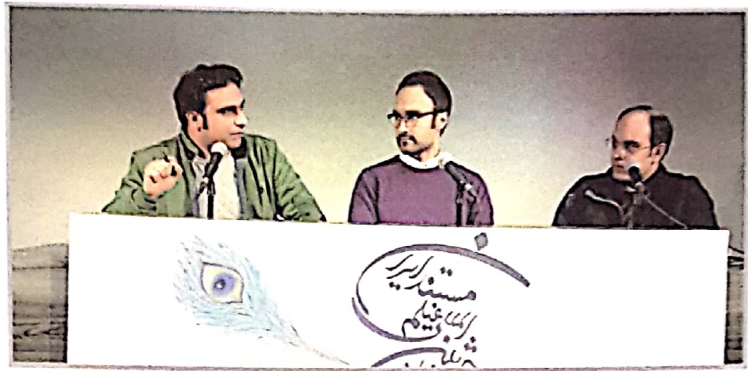
■ ماجد نیسی  
دور روایت

مستند نیمه بلند اما تکان دهنده ماجد نیسی در جشنواره امسال حسابی مورد توجه قرار گرفت. امروز ساعت ۱۴:۱۵ در سالن ۴ می‌توانید به تماشای «آن دو» بنشینید.



■ جان فرانکو روزی  
آتش و آب

مستندساز ایتالیایی حال تبدیل به محبوب‌ترین مستندساز خارجی جشنواره شده و امروز در روز آخر جشنواره دو فیلمش در سانس‌های ۱۰ و ۹:۳۰ و ۱۰ در دو سالن ۲ و ۱ روی پرده می‌رود.



## تاریخ‌ها و آدم‌ها

«شب‌های نقد» در ششمین روز از جشنواره دهم سینما حقیقت به نقد و بررسی دو فیلم ایرانی و یک فیلم از سینمای مستند مالزی اختصاص داشت

### سفر سهراب

■ موضوع مستند: پرتره‌ای از سهراب شهید ثالث  
 ■ کارگردان: امید عبداللهی

### عبداللهی:

سهراب شهید ثالث یکی از حاضرین چهره‌های غایب سینمای ایران است و یکی از دلایلی که سراغ او رفتم، همین نکته بود. ما باید برای پرداختن به یک موضوع دست به انتخاب بزنیم و مقطع و جزئی را انتخاب کنیم که بتوانیم روی آن تمرکز داشته باشیم. احساس کردم این مقطع چند ساله میان بازگشت او به کشور و مهاجرت مجددش لازم‌ترین مقطعی است که می‌توان به آن پرداخت. انتقال رایش‌ها و تصاویر بسیار خوبی از حضور سهراب در آلمان در اختیار داشتم و شاید پرداختن به آن ساده‌تر از روایت سهراب در ایران بود. آن‌جا موزه‌های هست به نام سهراب شهید ثالث که بسیاری از میراث سهراب آرشیو شده و به گونه‌ای این فیلمساز را از آن خود کرده‌اند اما ما در این زمینه فقیر هستیم. اولویت شخصی‌ام این بود که به این مقطع از زندگی سهراب بپردازم.

2 عده‌ای گفته‌اند که نامه‌های سهراب را سانسور یا پستوریزه کرده‌ام سهراب را هم این بود که در نامه‌های کلمه «جاست» را حذف کرده‌ام. اگر می‌خواستیم پستوریزه کنیم، حتماً شما این عبارت را در فیلم نمی‌دیدید و به دلایلی ترجیح دادم تنها این عبارت دیده شود و در گفتار آن را با عبارت «مدیر پرورشگاه» جایگزین کردم. از سوی دیگر، متن کامل و مشروح برخی نامه‌ها در حوصله فیلم نبود و دلیلی نداشت بخواهم متن کامل آن را در فیلم بیآورم.

3 یکی از مخاطبان بعد از اکران شب گذشته فیلم در جشنواره می‌گفت من به‌نحالی بهانه بودم تا از سالن خارج شوم. اما آن قدر بخش‌های مختلف فیلم مرا به خود جلب کرد که ناگهان دیدم فیلم تمام شد و

هنوز در سالن هستم. این اظهار نظر برای من به‌عنوان فیلمساز از هر جایزه دیگری ارزشمندتر بود.

### رامتین شهبازی:

1 بین چند فیلمی که از مستندهای اسامی دیدم، اگر بخواهم رتبه‌بندی کنم، سفر سهراب را بیش از فیلم‌های دیگر دوست داشتم. چرا که کارگردان سعی کرده وجهی از زندگی شهید ثالث را به ما نشان بدهد که کمتر به آن توجه شده. البته نگاه و پژوهش فیلمساز در این زمینه بسیار کامل بوده است. اما برای خود من یک لب‌بند و نکته بعد از اتمام فیلم وجود داشت و آن این است که چرا فیلم روی شهید ثالث ایران متوقف می‌ماند؛ اشکالی که پیش می‌آید این است که مخاطب احساس می‌کند به دلیل عدم دسترسی به منابع، روایت متوقف شده است.

2 نکته‌ای را سهراب در فیلم می‌گوید که خود را بیشتر فیلمساز اروپایی می‌داند تا فیلمساز ایرانی. دوست داشتم در فیلم مایه‌زای این اظهار نظر را ببینیم. از این منظر معتقدم فیلم می‌توانست به فیلم‌هایی که سهراب در خارج از کشور ساخته هم بپردازد.

3 سهراب شهید ثالث از معدود فیلمسازانی است که به ایندولوژی کاری ندارد و از منظر پدیدارشناسی به موضوعات می‌پردازد. «طبیعت بی جان» را هر سال به دانشجویانم تدریس می‌کنم، چرا که نگاه کاملاً پدیدارشناسانه به زندگی روزمره دارد.

4 احساس می‌کنم این مستند می‌تواند کوتاه‌تر باشد و استفاده از برخی تصاویر آرشیوی با وجود جذاب بودن برای شخص بنده که از علاقه‌مندان «شهید ثالث» هستم، در اکران و برای تماشای روی پرده شاید کمی طولانی به نظر بیاید.

### رییس‌الوزرا

■ موضوع مستند: روایتی از دوران نخست‌وزیری قوام السلطنه  
 ■ کارگردان: محمدرضا هاشمیان

### هاشمیان:

1 فیلم درباره زندگی سیاسی احمد قوام السلطنه است و سعی کرده‌ام بر مبنای حوادث آن دوران این شخصیت را تحلیل و بررسی کنم.

2 در فیلم‌های قبلی‌ام که آن‌ها هم تاریخی بودند تلاش کردم سوژه را در یک بستر زمانی روایت کنم. اما فیلم رییس‌الوزرا به نسبت آن دو فیلم بسیار سخت‌تر بود. کاراکتر اصلی خاکستری بود و تفاوت داشت با فیلمسازی درباره کاراکترهای تاریخی که تکلیف‌مان نسبت به آن‌ها مشخص‌تر است. اگر ۱۰۰ کتاب درباره قوام وجود داشته باشد، نیمی از آن‌ها می‌گویند قوام خادم بوده و نسیم دیگر او را خائن می‌دانند. به همین دلیل آخرین ایده‌ای که به ذهنم رسید، روایت این شخصیت بر بستر یک حادثه بود. فکر کردم در این مقطع خاص تاریخی این شخصیت خیلی خوب خودش را نشان داده و احساس کردم با روایتی غیر خطی و با چهار زاویه دید بتوانم آن را روایت کنم.

3 برخی مخاطبان بعد از تماشای این فیلم می‌پرسند بالاخره این آدم خوب بود یا بد؟ پاسخ من این است که وقتی سراغ یک سیاستمدار می‌رویم تنها باید او را روایت کنیم و نمی‌توان پاسخ قطعی به این پرسش داد.

4 درباره پژوهش این فیلم و نوع روایت آن، به‌گونه‌ای بود که نمی‌خواستم نگاه ویکی‌پدیایی به موضوع داشته باشم. به نظرم این شخصیت بیشتر در بستر حوادث خودش را نشان داده، به همین دلیل از روایت خطی شخصیت اصلی فیلم احتراز کردم. روایت فیلم بر این مبنا شکل گرفت که بتوانم پیچیدگی شخصیت اصلی را در قالب آن به تصویر درآورم.

### شهبازی:

1 فیلم محمدرضا هاشمیان مبتنی بر یک پژوهش کلاسیک شکل گرفته و بسیار خوب هم این پژوهش به سرانجام رسیده است. اما نکته‌ای در فیلم هست که الزاماً بد نیست و صرفاً به عنوان رویکرد است که در مواجهه با تاریخ هنوز دست به روایت کلاسیک می‌زنیم. آقای هاشمیان این تبحر را داشته‌اند که بتوانند به بهترین شکل این رویکرد را به فیلم تبدیل کنند. باز هم تأکید می‌کنم که این پرداخت کلاسیک ایراد نیست، بلکه رویکردی است که جناب هاشمیان آن را انتخاب کرده و اتفاقاً به بهترین شکل هم توانسته است آن را به تصویر درآورد. به لحاظ آن‌چه در مستندهای کلاسیک تاریخی می‌شناسیم و نوع روایتی که در فیلم سامان پیدا کرده، به بهترین شکل این مستند ساخته شده، به‌خصوص که صدای آقای برزگر هم خیلی خوب روی فیلم نشسته و به این فضا سازی کمک کرده است.

2 آن‌چه در حوزه کار تاریخی در سینمای مستند کم داریم، نگاه بر مبنای تاریخ‌نگاری جدید و مدرن است. تاریخ‌نگاری مدرن می‌گوید ما به روایت رسمی کاری نداریم و خطوط سفید تاریخ را می‌خوانیم. شاید این نوع روایت نتواند در مرکز گسترش که سوبه‌ای دولتی دارد، شکل بگیرد. اما جای زاویه نگاه و رویکرد در سینمای مستند خالی است.

3 سیاستمداری که آقای هاشمیان سراغ او رفته، به معنای واقعی کلمه «سیاستمدار» بوده است. این بازی در جغرافیای سیاسی در آنها ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که قضاوت درباره او نداشته باشیم. در حقیقت این نگاه پژوهشگرانه که از بیرون دارد به کاراکتر نگاه می‌کند، در واقع تصمیم کارگردان است و گویی او نمی‌خواهد به داوری قطعی درباره این سیاستمدار برسیم.

## Histories and People

Criticism Nights" (Q & A Sessions) of 6th Day of Cinema Verite Festival was held with reviewing and criticizing three films. The first film was "Sohrab's Journey" which was a portrait documentary of Sohrab Shahid Saleth directed by Omid Abdollahi. "I liked Sohrab's Journey rather than other documentaries I watched during the festival because the director tried to show the hidden side of Sohrab Shahid Saleth to its audience." Shahbazi told about the film. The second film was "Raeesalvozara" (Head of Ministers) which was a narrative from the time of prime ministry of Ghavamosaltaneh directed by Mohammadreza Hashemian. The third film was "Melowcan" (Delicious) which was about the lives of four elder people in Taiwan directed by Av Civi from Malaysia.

مجری کارشناس شب پنجم:

محمدرضا مقدسیان

منتقد شب پنجم:

رامتین شهبازی

### ملوکن

موضوع مستند: زندگی چهار فرد سالخورده در تاپوان

کارگردان: اوسی وی (مالزی)

سی وی:

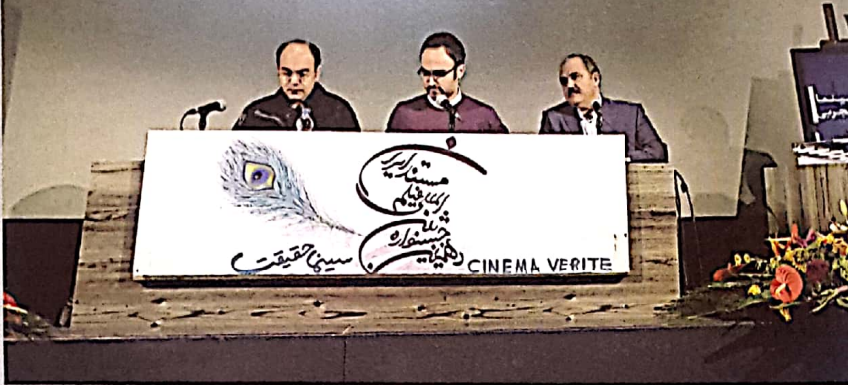
خوشحالم که در این جشنواره حضور دارم و ممنون که به این نشست دعوت شده‌ام. نام فیلم من «ملوکن» و در زبان محلی به معنای خوشمزه است. فیلم کارگردان دیگری هم دارد که نتوانست در این جلسه حاضر شود و من به نمایندگی از هر دو آن‌ها این‌جا هستم. فیلم درباره چهار نفر در تاپوان است که در شهر کوچکی زندگی می‌کنند و وجه مشترک آن‌ها تنهایی و زندگی دور از خانواده است. در منقطع‌های که این افراد زندگی می‌کردند، کمی برای فراهم آوردن غذای رایگان برای افراد سالخورده بود که سفارش ساخت این فیلم را به ما دادند و این مستند را درباره این کمپین ساختیم.

ما تصمیم گرفتیم چهار سالخورده را به عنوان کاراکتر اصلی انتخاب کنیم و از آن‌جا که این سازمان لیستی بلند بالا از سالخورده‌گان را برای حمایت داشت، تصمیم گرفتیم چهار نفر از قومیت‌های مختلف در تاپوان را از این فرست انتخاب کنیم. تجربه همراهی با این افراد سالخورده، تجربه بسیار خاصی بود که تصمیم گرفتیم فیلم کمترین دیالوگ را داشته باشد، چراکه زندگی واقعی این افراد بدون هیچ دیالوگی است و تنها زمانی که غذا به آن‌ها می‌رسد، حرف می‌زنند.

این سومین فیلم مستند کوتاه من است و تمرکز اصلی‌ام در فیلمسازی ساخت فیلم کوتاه داستانی است. البته سبک کار من در ساخت این مستند متفاوت از کارهای قبلی‌ام بود، چراکه باید با ریتم کندتر این ماجرا را روایت می‌کردم. از نظر من هر کدام از گونه‌های مستند و داستانی ویژگی‌های خاص خود را دارد. اما مهم‌ترین تفاوت این است که در اثر داستانی شما امکان خلق هر چیزی را دارید، ولی در فیلم مستند باید مشاهده‌گر و منتظر رخداد وقایع باشید.

فیلم خودم را در ایران و در میان مخاطبان سینماحقیقت هم دیدم. ری‌اکشن‌های خیلی خوبی داشتم و سوالات جالبی از من پرسیده شد. این که دو کاراکتر مرد و دو کاراکتر زن در فیلم دارم و خیلی اتفاقی دو کاراکتر زن در فیلم معمول تر هستند و می‌خواستند بدانند چرا این اتفاق افتاده است! واقعا این یک اتفاق بود و هیچ تصمیم خاصی در انتخاب این ترکیب نداشتم.

# آمین رونمایی کتاب



## تجربه‌ای برای آغاز

رونمایی از کتاب «سینما و امر تجربی» در ششمین روز دهمین جشنواره سینماحقیقت برگزار شد

امید صبوری

omidsabori88@mail.com

عنوان کتاب: سینما و امر تجربی

حاضران: محمدرضا مقدسیان (مجری - کارشناس) / رامتین شهبازی (کارشناس) / علیرضا قاسم خان

قاسم خان:

سال ۹۱ همایشی در مرکز گسترش برگزاری شد که در آن مراسم دوستانی از بخش‌های مختلف سینمای کشور، چه داستانی و چه مستند در سفری به جزیره ابوموسی چند روزی به گفت‌وگو درباره سینمای تجربی پرداختند. در آن سال مسئولیتی در مرکز نداشتم، سال بعد که مسئول بخش پژوهش شدم، متن آن نشست حاضر شده بود و آن کتاب را چاپ کردم. دلم می‌خواست یک بار دیگر آن تجربه تکرار شود. سینمای تجربه، سینمایی نیست که با یک بحث در یک دوره تاریخی، بحث درباره آن تمام شود. سینمای تجربی، سینمایی فعال و دقیق است و برخلاف این که عده‌ای آن را سینمایی صرفا فرمالیستی و مقابل سینمای صنعتی می‌دانند، به واقع این گونه نیست. سینمای تجربی، سینمایی بسیار پرشور است و تلاش می‌کند زندگی را از مناظر مختلف نشان دهد.

وقتی می‌خواستیم کتابی درباره سینمای تجربی آماده کنیم، چندین کتاب به دست ما رسید و پیشنهاد مازیار اسلامی بود که با توجه به وضعیت سینمای ما که هنوز در حال تجربه کردن سینما هستیم، بیاییم مجموعه‌ای از مقالات را انتخاب و منتشر کنیم. الان می‌شود گفت متنی در دست داریم که می‌توانیم کار روی سینمای تجربی را بر مبنای آن آغاز کنیم. آن چه می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد، نبودن کتاب است.

شهبازی:

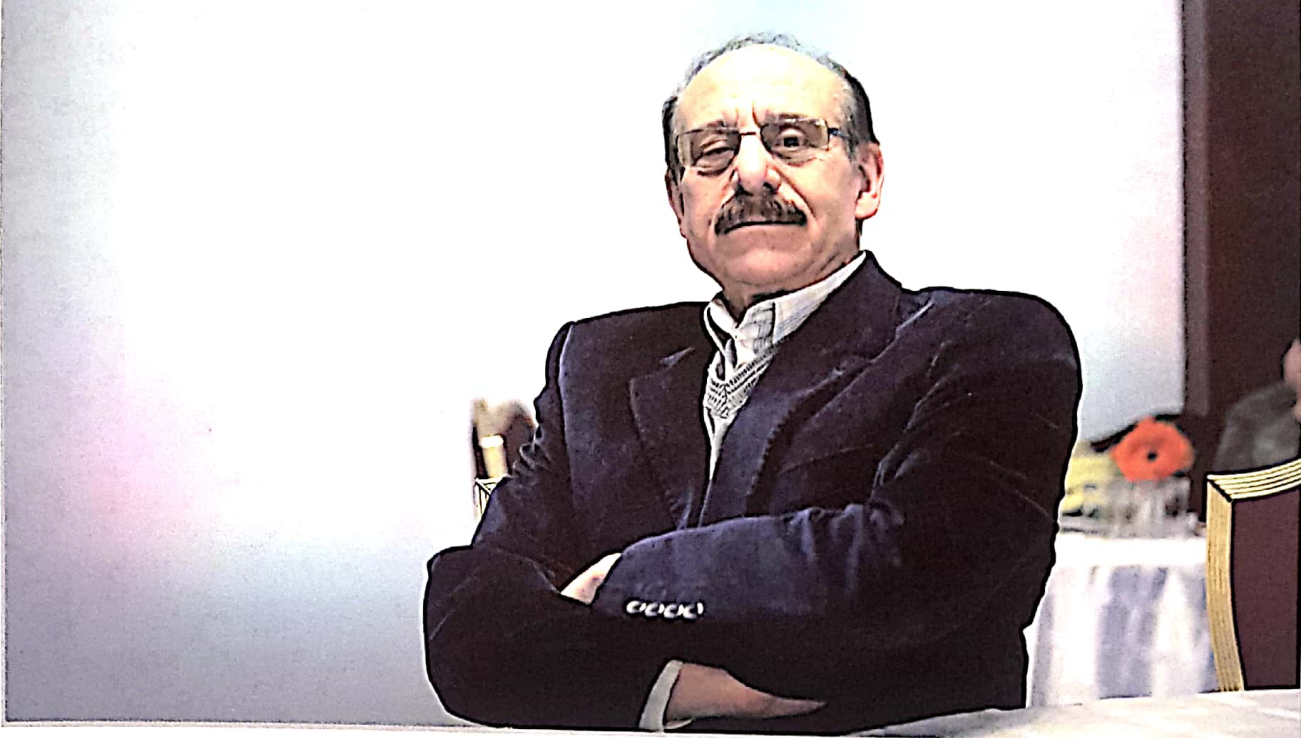
انتشار کتاب «سینما و امر تجربی» را باید به مرکز گسترش تریک گفت، چراکه اصولا مدار زمینه نظریه پردازی سینمای تجربی در سینمای ایران فقیر هستیم. اگر بخواهیم نظریه پردازی بکنیم، باید اول بدانیم در جاهای دیگر چه

نظریه‌هایی در این زمینه مطرح شده است. هنوز برخی تجربه کردن را امر تجربی می‌دانند و پرواضح است که غلط است. تجربه کردن یعنی دارید کاری را یاد می‌گیرید، اما امر تجربی یعنی شما یاد گرفته‌اید و می‌توانید اصول و قواعد را کنار بگذارید. تا زمانی که اصول را فراموش کرده‌اید، چگونه می‌توانیم آن را کنار بگذاریم.

عنوان نقد- نظریه روی کتاب تکلیف مخاطب را مشخص می‌کند و نباید انتظار داشته باشیم از خواندن این کتاب، فیلمسازی تجربی را یاد بگیریم! کتاب‌هایی که به صورت مجموعه مقاله منتشر می‌شوند، در سطح جهانی دارای ارزش علمی هستند. دسترسی به برخی از این مقالات در حالت عادی سخت و گردآوری آن‌ها در این کتاب واقعا ارزشمند است.

امری که تا حدودی در این کتاب مفقول مانده، ارتباط امر تجربی با مقوله پدیدارشناسی است. اگر بخواهیم ردی از امر تجربی را در بحث پست مدرن دنبال کنیم، با امر پدیدارشناسی مواجه می‌شویم. توجه به این مقوله در کتاب کمی کم رنگ است. هر چند به واسطه اعتمادی که به نسام مازیار اسلامی و مرکز گسترش است، نشان می‌دهد که می‌توان با اطمینان سراغ این کتاب رفت. بر همین اساس ما انتشار کتاب سینما و امر تجربی را در اولویت برنامه‌های مرکز گسترش قرار دادیم تا به این ترتیب علاقه‌مندان بتوانند به موضوعات مطرح شده در این کتاب رجوع کنند.

در مجموع چاپ چنین کتاب‌هایی را بسیار ضروری می‌دانم، به خصوص که چاپ کتاب‌های پژوهشی و نظری در بازار نشر ما بسیار تنگ شده و برخی هم که متأسفانه می‌خواهند پژوهش‌های جدید بدهند، می‌گویند نظریه به چه کار ما می‌آید! بی‌تعارف این اظهار نظر ناشی از بی‌سوادی محض است.



## نسبت خرد و تجربه با سینمای مستند

تحلیل پدram اکبری، عضو هیات انتخاب و داوری بخش خرد و تجربه؛ او معتقد است فیلم‌های این بخش بهانه‌ای برای تصویر کردن کرامت انسانی هستند

لیلا علیپور

lepasoma@gmail.com

پدram اکبری یکی از اعضای هیات داوری فیلم‌های این بخش است. او که سال‌هاست به عنوان مستندساز فعالیت می‌کند و از افراد با تجربه در این عرصه محسوب می‌شود به عنوان تهیه‌کننده، کارگردان، نویسنده و پژوهشگر مجموعه‌های مستند «معماری خودکفای کویری»، «خشت خام»، «تفت»، «گل باغی در کویرستان یزد» و «مستند آمایش سرزمین ایران» را تولید کرده است. سراغ او رفتیم تا درباره آثار بخش خرد و تجربه دهمین دوره جشنواره سینماحقیقت گفت و گو کنیم. او درباره ۱۳ فیلمی که برای این بخش ارائه شد، توضیحاتی داده، همچنین جایگاه و نسبت این بخش را با جشنواره سینماحقیقت تشریح کرده است.

### یک نیاز

پیش از خواندن تحلیل پدram اکبری لازم است یادآوری کنیم که بخش خرد و تجربه یکی از تازه‌ترین بخش‌هایی است که به جشنواره سینماحقیقت افزوده شده؛ بخشی که زمینه قرار گرفتن آن در جشنواره سینماحقیقت به واسطه پیشنهادی که از سوی صندوق بازنگشتگی کشوری مطرح شده، به وجود آمده است. جشنواره سینماحقیقت در ۱۰ سالگی که از برگزاری آن می‌گذرد با پذیرش پیشنهادی که در کامل شدن آن می‌تواند نقش موثری داشته باشد، مسیر رو به رشدی را پیش گرفته است. پیشنهاد اضافه شدن بخش خرد و تجربه به این جشنواره نیز در همین مسیر مطرح و با استقبال برگزارکنندگان این رویداد سینمایی روبه‌رو شد. جشنواره سینماحقیقت در سیر تکامل خود موضوعات مربوط به بازنگشتگان را هم به واسطه بخش خرد و تجربه مورد توجه قرار داده است. وانگهی با استناد به گفته‌های محمدعلی ابراهیم‌زاده، معاون فنی صندوق بازنگشتگی کشوری لزوم ایجاد این بخش بیش از پیش جدی‌تر می‌شود. «کلمه بازنگشتگی در بسیاری اوقات بار مثبت ندارد. حقوق و مزایای بازنگشتگان پایین می‌آید و در عین حال نیاز آن‌ها بیشتر می‌شود. باید نگاه به بازنگشتگان تغییر کند. زیرا دورانی با مختصات ویژه است و می‌تواند شیرین هم باشد. گوشه‌گیری و انزوا در این گروه سنی به چشم می‌خورد و علت اصلی آن مفهومی از بازنگشتگی است که در جامعه جا افتاده و سعی می‌کند از آن فرار کند. می‌توان با هنر این نگاه را تلطیف کرد.» معاون فنی صندوق بازنگشتگی کشوری درباره کارایی و اثر بخشی برنامه‌های مورد نظر برای بازنگشتگان از جمله برنامه‌های فرهنگی به نکته‌ای اشاره می‌کند و این یعنی می‌توان به تداوم بخش خرد و تجربه امید داشت: «طی چند سال اخیر استقبال خوبی از برنامه‌های در نظر گرفته شده، داشته‌ایم و تلاش می‌کنیم این برنامه‌ها را ادامه دهیم. در کنار همه فعالیت‌ها، هنر و فیلم، زبان پویا و اثرگذارتری است و پیام آن سریع‌تر منتقل می‌شود.» روایت تحلیل پدram اکبری، عضو هیات انتخاب و داوری بخش خرد و تجربه را بخوانید:

### پیشنهادی از سوی صندوق بازنگشتگی

پیشنهاد قرار گرفتن بخش خرد و تجربه در جشنواره سینماحقیقت از سوی صندوق بازنگشتگی کشوری با مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی مطرح شد. هدف از این پیشنهاد آن بود که تجلیل و تکریمی از شأن و جایگاه سالمندان و بازنگشتگان صورت بگیرد. بر همین اساس قرار شد در این دوره

این بخش به صورت مقدماتی در جشنواره جای بگیرد.

### محورهای اصلی خرد و تجربه

این بخش با محوریت چند موضوع شکل گرفت: نخست افراد بازنگشته اگر چه از منظر مناسبات اداری و کاری در سنی خاص قرار دارند و بر اساس ضوابط محل کارشان بازنگشته می‌شوند، اما به طور معمول افراد بازنگشته در کشور ما از کار افتاده نیستند، هم نیاز به کار دارند و هم توان کار، دوم بسیاری از بازنگشتگان کارآفرینی می‌کنند؛ آن‌ها با راه‌اندازی مراکز و شرکت‌ها کارآفرین می‌شوند و نکته سوم این است که اغلب با نگاهی خیراندیشانه با کارآفرینی، کار خیر انجام می‌دهند، حتی اگر خود نیاز نداشته باشند، باز هم تمایل دارند کار کنند، اما این بار برای کمک به دیگران. از این منظر کرامت انسانی خود و جامعه را همواره مدنظر دارند. بی‌گمان هر بازنگشته‌ای اگر بخواهد به مواردی که اشاره شد، بپردازد باید از خرد و تجربه‌ای که در طول سال‌ها کسب کرده، استفاده کند. عطف به این قضایا و پذیرش مرکز برای گنجاندن چنین بخشی در جشنواره، در نخستین دور این بخش از جشنواره با شماری از فیلم‌ها که تعدادشان هم زیاد نبود، تشکیل شد و نام خرد و تجربه بر آن گذاشته شد.

### گزینش سه فیلم از میان ۱۳ فیلم

بخش خرد و تجربه شکل گرفت و سامان یافت و سه داور برای آن در نظر گرفته شد. در بین ۱۳ فیلمی که دیدیم سه یا چهار فیلم بودند که به کلی ارتباطی با مقوله بازنگشتگی نداشتند. همه فیلم‌ها دقیق دیده شدند (حتی بدون یک مورد سریع دیدن). با دقت تمام دقیق فیلم‌ها ملاحظه شد و بر اساس مولفه‌های مورد نظرمان سه فیلم برگزیده، انتخاب شدند. تجربه قابل توجهی در دیدن فیلم مستند و نقد و بررسی آن دارم. نمایش فیلم‌های مستند روزهای سه‌شنبه از سوی انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند ایران برگزار می‌شود و حدود دو ماه پیش چهاردهمین سال آن تمام شد و وارد پانزدهمین سال شد. معنای این جملات آن است که هر سه‌شنبه حداقل یک یا دو فیلم مستند دیده و نقد و بررسی می‌شود. پس تجربه دیداری من در طول این سال‌ها کم نیست. با همین دیدگاه آرای خود را در مورد انتخاب و گزینش فیلم‌ها در بخش خرد و تجربه به عنوان یکی از اعضا مطرح کردم.

### نسبت خرد و تجربه با سینمای مستند

در توضیحاتی که برای سینمای مستند داده می‌شود، تاکید من بر این نکته است که سینمای مستند در ذات خود این توانمندی و امکان را دارد که به موضوعاتی از کوچک‌ترین پدیده عالم هستی تا بزرگ‌ترین

امسال به بخش

فرد و تجربه به

شکل مقدماتی

پردافته شد و قرار

بر این است که با

مشارکت صندوق

بازنگشتگی

کشوری تولیداتی

در این زمینه شکل

بگیرد. همین

امر پدram اکبری

به موضوع

بازنگشتگان در

عرصه سینمای

مستند را بیمه

می‌کند

سینمای مستند

در ذات خود این

توانمندی و

امکان را دارد که

به موضوعاتی از

کوچک‌ترین پدیده

عالم هستی تا

بزرگ‌ترین عنصری

که در گهکشان و

جهان هستی وجود

دارد، بپردازد

# سینمای مستند یک صنعت است

مصطفی رزاق کریمی از وضعیت ساخت فیلم مستند در ایران، شرایط فیلمسازی در کشورهای دیگر و جشنواره سینما حقیقت می گوید

محمودصادق لوگیوی  
madigivi@gmail.com

مصطفی رزاق کریمی فیلمساز با سابقه‌ای است که اعتقادات محکمی نسبت به شیوه درست تولید در اروپا دارد. راهکار آرایه می‌دهد، اما مانند تمامی همکارانش خود ریشه مشکلات را در نگاه کلان مدیران می‌داند. به عنوان تنها فیلمساز مستندی که هم در ایران و هم در اروپا فعالیت می‌کند، نگاه دقیقی نسبت به فرآیند تولید در بخش خصوصی دارد. نسبت به پژوهش بسیار سختگیر و نسبت به کیفیت پایین بسیاری از مستندها گلّه‌مند است. او مستندسازی را به عنوان یک شغل می‌بیند، ولی اذعان دارد که در ایران این کار شغل محسوب نمی‌شود. رزاق کریمی برادرانه فقط متوجه دولت با بخش خصوصی بلکه متوجه نگاه به این حرفه می‌داند و خود مستندسازان را هم در پیش آمدن وضع موجود بی‌تقصیر نمی‌داند. نگاه بسیار جالبی نسبت به جایزه گرفتن مطرح می‌کند که فقط از کسی با تجربه او برمی‌آید. جشنواره را یک اتفاق خیلی خوب می‌داند، اما از حجم بالای فیلم‌ها انتقاد می‌کند. او بسا همکاری برادرش مرتضی، مستند «یاد و یادگار» و درباره تاریخ ایران ساخت. «زندگی در تصویر» درباره مرتضی ممیز، پدر گرافیک ایران، «تقی جعفری یگانه» درباره علامه محمد تقی جعفری و «مجرم، مجرم، مخرم» درباره برگزاری مراسم عاشورا در کانون اصلاح و تربیت کودکان، سه مستند دیگر رزاق کریمی هستند. «خاطراتی برای تمام فصول» مستند تکان دهنده‌ای است که رزاق کریمی به خاطر آن از سوی خاص و عام تحسین شد. اجازه دهید برای نمونه از جمله ابراهیم حاتمی کیا خطاب به او عاریت بگیریم: «نکته فیلم تو، این است که این فیلم غم گسارانه به آدم‌ها نگاه می‌کند و الا نباید آن آدمی را که در ماشین نشسته و فردا قرار است پایش را ببرند، ببینند. این در نمی‌آید؛ اگر خالق این مستند، خودش در همان احوال نباشد. درست است که مصطفی رزاق کریمی زخم بر نداشت، در جنگ نبوده و یک گلوله هم در جنگ شلیک نکرده است، اما احوالش با آدم‌های درگیر در آن جنگ، یکی است و انگار یک جور هم ذات‌پنداری میان او و جانبازان ما برقرار شده است. بگذارید همین جا بگویم: من ریتم معنوی و روحی فیلم «از کرخه تا راین» را، از مصطفی گرفتم.»

مشروح مصاحبه در صفحات ۸ و ۹



Interview

No.7. Sar. 10<sup>th</sup> Dec. 2016

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7

## Relationship of Wisdom and Experience with Documentary Cinema

Pedram Akbari is one of the members of Selection Board and Jury Board of Wisdom and Experience in 10th Iran International Documentary Film Festival Cinema Verite. He believes that films of this section are opportunities for portraying human dignity. Akbari is an active documentarist who has been also writer, producer and researcher of documentary series like "Desert Self-Sufficient Architecture", "Raw Clay", "Taft", "A Flower in the Desert of Yazd", and "Logistics of Land of Iran" In this edition of the festival, we paid attention to Wisdom and Experience Section very primarily and it is supposed to have productions in this field with Pension Fund contributions. This issue insures taking about retired in documentary cinema. Documentary cinema has potential and possibility to talk about the smallest and the biggest phenomenon in the universe.

عنصری که در کهکشان و جهان هستی وجود دارد، بپردازد. هر آنچه بین این دو عنصر بی‌نهایت کوچک و بزرگ وجود دارد، بی‌گمان می‌تواند مضمون و موضوع فیلم مستند قرار بگیرد. اگر فقط یک بخش را از میان میلیون‌ها موضوعی که در این فاصله وجود دارد، انتخاب کنیم، آن جامعه انسانی است. حال انسان را در نظر بگیریم، پیشینه‌اش، ویژگی‌هایش، مشخصات فیزیکی تا برسیم به مسایل اجتماعی و تاریخی. بی‌گمان جای نقد و بررسی، تحلیل و بازتابی و توجه به انسان امروز ایرانی و از آن جمله انسان بازنشسته به طور جدی وجود دارد. حقیقت این است که این بستر وجود داشته و ضرورت دارد به دلیل مختصات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی و حتی جنسیتی به این مقوله یعنی بازنشستگان پرداخته شود و معضلات، مسائل، نیازها و خواسته‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. در واقع مواردی که برای بازنشستگان شایان توجه است، موضوع فیلم مستند قرار بگیرد. بستر پرداخت به این موضوعات وجود دارد و مستندسازان ما هم که خوشبختانه در این یکی دو دهه نشان داده‌اند، علاقه‌مند به مسایل اجتماعی هستند، سراغ این موضوعات می‌روند. موضوع بازنشستگان فضای فراوان و بستر مناسبی برای فیلمسازان ما دارد.

### رونق تولیدات در بخش خرد و تجربه

امسال به بخش خرد و تجربه به شکل مقدماتی پرداخته شد و قرار بر این است که با مشارکت صندوق بازنشستگی کشوری تولیداتی در این زمینه شکل بگیرد. همین امر پرداختن به موضوع بازنشستگان در عرصه سینمای مستند را بیمه می‌کند. اگر مسئولان صندوق بازنشستگی و مسئولان دیگر جوایزی را تعیین کنند، خودبه‌خود باعث ایجاد انگیزه بیشتر برای مستندسازان ما می‌شود. امیدوارم در سال آینده شاهد بازتاب این تولیدات در یازدهمین جشنواره سینماحقیقت باشیم. بستر و توانمندی فوق‌العاده مناسب و قابل‌اعتنایی برای پرداختن به بحث بازنشستگی وجود دارد. تاکید مسئولان صندوق بازنشستگی نیز بر حفظ کرامت انسانی است، یعنی نکته بسیار درستی که به ظاهر کمی شعارگونه می‌رسد، اما عین واقعیت است. با نگاهی به ادارات و شرکت‌های دولتی و خصوصی درمی‌یابیم چه تعداد بازنشسته داریم. امروزه بازنشستگان کشوری ما آمار بسیار بالایی دارند. در کنار مسایلی چون اشتغال به کار پس از بازنشستگی، حفظ کرامت انسانی و بسیاری موارد دیگر، امور مشترک بین همه بازنشستگان در کشورمان است که ظرفیت و توانمندی سوزه را برای پرداخت مستندسازان ما می‌برد.

### چند نکته

محدودیت‌های فراوانی در صندوق بازنشستگی وجود دارد که امیدوارم این محدودیت‌ها به جد مانع پرداختن مستندسازان ما به این مقوله نشود. نکته حائز اهمیت خیل بازنشستگان این است که همه آن‌ها نیاز به کار مجدد دارند. افزون بر این، پاسداشت حرمت انسان بازنشسته است. کسی که سال‌ها در محیطی کار کرده و یکباره به او می‌گویند بازنشسته‌ای و او ناچار است به آن محل کار برود، از نظر روان‌شناسی فردی یا روان‌شناسی اجتماعی می‌تواند تاثیرات نامطلوبی دریافت کند. باید مراکز مشاوره باشند که او وقت‌آزادش را سپری کند و به سفر برود. تمام این‌ها جای بحث و گفت‌وگو دارد. امید می‌رود شرایط بازنشستگان بهتر شود و در عین حال فیلمسازان ما به این مقوله بسیار مهم انسانی و شرافتمندانه بپردازند.

Mostafa Razzagh Karimi is a veteran filmmaker who believes that in Europe there are right principles in producing films. He also presents some solutions while he emphasizes many of the problems are came and originated from the vision of cinematic managers. As the only documentary filmmaker who works in both Iran and Europe, he has an accurate punctual look to documentary-making especially in production. He is also very strict in researching, so he is querulous about low quality of many documentaries. He counts documentary-making as a job but he mentioned that in Iran the situation is different. However, he is not counted the objection just for the government but he believes that documentarists also are accused. Moreover, while he counts holding festival as a good happening-and he won the best film award for "A Man for All Season" from Cinema Verite, he criticizes the high quantity of films and he said: "Getting award is more important, but your next project is more important!"



آقای رزاق کریمی شما در جشنواره‌های بسیاری شرکت کرده و با «خاطراتی برای تمام فصول» جایزه بهترین فیلم جشنواره سینماحقیقت را هم گرفته‌اید، به‌عنوان یک مستندساز باسابقه، سینماحقیقت را در این ۱۰ سال چگونه هدایت کرده‌اید؟

آن چیزی که من متوجه شده‌ام این است که قدم‌های خوبی برداشته شده و اتفاقات خوبی رخ داده، اما عملکرد بعدی مهم است. جشنواره یک موضوع است و بهر برادری از این جشنواره برای من تعریف درستی ندارد. سینمای مستند مهجور است برای من مهم این است که چه قدم‌هایی برداشته می‌شود، برگزاری مرتب جشنواره اتفاق خوبی است، به خصوص که می‌بینم جوانان بسیاری شرکت می‌کنند در سه سال گذشته جشنواره خوبی داشته‌اند و دیگر حسابی جا افتاده است و همه آن می‌نمایند. این قدم خیلی خوبی است، تألیف بر گزار کنندگان در هر قدم خود را نشان می‌دهد، اما به نظر من جشنواره باید مستندسازان برای آماده‌رساند.

یکی از همکاران شما در حوزه مستند محیط‌سازی می‌گفت که نخبران سینمای مستند، به حال خود رها می‌شوند، شما با این نظر موافقت می‌کنید؟

بله، من می‌بینم، جوان‌هایی را می‌بینم و آن‌ها صحبت می‌کنند، مستندسازان از حمایت مالی و به‌خصوص انضباط مالی مستندسازی به عنوان یک حرفه باید متوجه شوند. مستندسازی به عنوان یک حرفه باید متوجه شوند. مستندسازی به عنوان یک حرفه باید متوجه شوند. مستندسازی به عنوان یک حرفه باید متوجه شوند.

در خارج از ایران فیلم یا اکران می‌گیرد یا بر مبنای میزان تماشاگر در تلویزیون پخش می‌شود، اما در ایران با وجود این که اوضاع در چند سال اخیر کمی بهتر شده است، اما همچنان مشکل پخش وجود دارد. چه می‌توان کرد؟

من نظر شخصی‌ام را می‌گویم، باید این کفه ترازو را دوطرفه دید. در خارج مستندساز شدن کار بسیار مشکلی است. یک کارگردان می‌سوزد تا مستندساز شود و کارفرماست که دنبال کارگردان می‌رود. آن‌ها موضوعات را تعریف می‌کنند، مثلاً ریسک‌محیطی یا اجتماعی و آن‌ها گاه سراغ کارگردان می‌روند. این‌طور نیست که کارگردان فقط فیلم خود را ارسال، بلکه در چارچوب یک ضوابط کار می‌کند. پول بسیار خوبی هم می‌گیرد، اما نمی‌تواند از ضوابط تحلیلی در ایران می‌گویند که پول کم است، اما من می‌گویم ببینید خروجی جقدر است و یا چه کیفیت‌هایی دارد و عنوان خروجی فیلم‌ها صرفاً تجربی است، صنعت نیست و عنوان فیلم حرفه‌ای را نمی‌توان بر آن نهاد. بازار یادگار مگر این که آن قدر از تکنیک باشد که بتوان آن را در جشنواره‌های خارجی نمایش داد. پرداخت حرفه‌ای چیز دیگری است. در آن‌ها فیلمنامه دقیق بسا ۲۰ درصد خطا باید وجود داشته باشد. در تحقیق حتی باید عکس هم وجود داشته باشد. مستندساز باید متوجه شود که مستندسازی به عنوان یک حرفه باید متوجه شوند.

آیا این سیستم در ایران اجرا نمی‌شود؟ کمی صریح‌تر می‌گویید.

نه اصلاً اجرا نمی‌شود. نسبت به ۱۴ سال پیش خیلی بهتر شده است. قدیم‌تر یک تهیه‌کننده، کارگردان و فیلمبردار می‌رفتند و کار می‌گرفتند و هر نتیجه‌ای حاصل می‌شد. سیستم حرفه‌ای محقق محقق است، بدون هیچ احساسی. فیلمنامه‌نویس یک شغل است و کارگردان هم همین‌طور. منظم تقسیم کار است که نسبت به ۱۴ سال پیش خیلی بهتر شده است.

بگذارید این‌طور بپرسم، فرض کنید تهیه‌کننده یک فیلم مستند مستند حیات‌وحش هستند که بودجه محدودی هم دارند. شما چطور می‌توانید انتظارات داشته باشید که مثلاً فیلمبردار چند سال از وقت خود را هر چند به صورت پراکنده در اختیار فیلم‌گذار، در این صورت کارگردان مجبور می‌شود خودش فیلمبرداری کند.

این جابجایی‌ها در ایران به سبب کمبود بودجه است. مستندسازان و فیلمبرداران به سبب کمبود بودجه مجبور می‌شوند که کارهای خود را با بودجه کم انجام دهند. مستندسازان و فیلمبرداران به سبب کمبود بودجه مجبور می‌شوند که کارهای خود را با بودجه کم انجام دهند.

شود یا فروش داشته باشد. فیلمی که در کشور می‌ماند به درد هیچ‌کس نمی‌خورد. باید فیلم‌بند داشته باشد. ببینند هم پول می‌دهد یا تلویزیون آن را می‌خورد. مساله بر سر پول است، چون سینمای مستند هم یک صنعت است.

پس شما با حمایت دولتی مخالفید، چون در این شیوه ممکن است انتخاب موضوع، کارگردان، نمایش و فروش شکلی دیگر بیاید؟

به نظر من از گامی که فیلم‌ها می‌کند، باید تیم مشاوران قدرتمندی داشته باشند البته در نه‌نشست‌ها این را دیدم که افراد خوبی جذب می‌شوند. باین نظام مشاوره بودجه جهت مناسبی پیدا می‌کند، دولتی یا خصوصی فرقی نمی‌کند. اما مناسفه در ایران پخش فیلم وضعیت مناسبی ندارد. اگر شما حتی به عنوان تهیه‌کننده بودجه ۲۰۰ میلیونی یا سرمایه‌گذار کنید، نمی‌توانید به برکت پول امیدوار باشید چون پخش مناسبی نخواهید داشت. دادن این پول اشتباه است. بررسی‌های پخش در این است. ما قبل از انقلاب هم این مشکلات را داشتیم. الان به مراتب بهتر شده است. اما پول را همس‌طوری دادن اشتباه است. کجاست ایده خوب، حتی نمی‌فهمید. تحقیق کجاست. تمرکز روی این موضوع کم است. سرمایه‌گذار باید به این فکر باشد که پول را به چه کسی می‌دهد. در خارج از ایران تهیه‌کننده تنها تصمیم نمی‌گیرد و کلی مشاوران دارد. مثلاً اگر بخواند راجع به رودخانه دناوب فیلم بسازند، بعد از طرح و تحقیق و بررسی بودجه درست تصویب می‌شود.

در ایران اما تحقیقات مشکل دارد. نمی‌توان فرآیند و به مثلاً راجع به این تحقیق کافی فیلم ساخت. تحقیقات در ایران بیشتر کتابخانه‌ای است و به درد فیلم ساختن نمی‌خورد. روش تحقیق در سینما به کلی متفاوت است. برای خواندن تحقیق که برای آن بودجه فراوان تخصیص یابد، نباید باوازه کلی علمی و دانشگاهی رویه‌رو شویم. من و فرهاد ورام ۲۰ سال پیش برای فیلمی تحقیق کردیم. یکسسال و چند ماه طول کشید و چندین جلد کتاب آن را درآمد تحقیق یعنی وقتی مثلاً شما راجع به مسجد جامع یزد فیلم می‌سازید، طوری به فیلمنامه کمک کنید که شما فقط برودن حدی جایی فیلمبرداری کنید که لازم است و نه حتی بیشتر. مثلاً خلیج جنوب شرقی تمام این‌ها می‌کند. من می‌گویم در ایران وجود دارد، اما نه در قدر کافی و ما همیشه از گام را مقصر می‌دانیم. این نیست که همه بد باشند و فقط ما خوب باشیم، تلویزیون بد باشد، مرکز گسترش بد باشد و غیره. اما فیلم مستندساز هم باید حمایت کرد، طوری که محتاج این تست یا گرایش‌ها نباشد، چون این موضوع را همه عینه دیدیم. اما می‌توان انتظار داشت مستندساز فقط بخواهد تجربه کار کند و همه راه هم بداند.

من اعتقاد به سینمایی‌سازی اصلاً متوجه خود ندارم. این‌ها نیستند. ما می‌توانیم راجع به الفوس کارل تهیه کرده‌ام که آقای ورام هم کار کرده‌اند. آقای ورام برای کریمی هم تهیه‌کننده سمت ایران بودند. من فکر می‌کنم که همکاری از این‌ها ساخته شده فقط ۷ ماه تحقیق بسیار فشرده داشت، طوری که بعد از آماده‌شدن سارو، شاید بعد از خواندن آن، از فرط سادگی و روان بودن، سارو فکر می‌کرد ساختن این فیلم چه کار راحتی است. اما نه، این‌جاست که کارگردان عیار خود را نشان می‌دهد. کارگردان این فیلم بعد از آن که در جاسای زیادی کار کرد، اما

اگر امتیاز نمی‌گرفتم، عملیات می‌شد. آن‌جا این خنونت‌های شغلی و حذف وجود دارد و از طرف هم مزایای شغلی قابل توجه است، البته طبق ضوابط کسی هم در آن‌جا به جایی فحش نمی‌دهد یا بتفاد کند.

آقای رزاق کریمی، در سال‌ها برگزاری جشنواره سینماحقیقت تولد مستند رونق پیدا کرده است. این موضوع را چطور ارزیابی می‌کنید؟ خوب می‌دانید؟

خوب می‌دانم، اما با علامت سؤال، چون حجم زیادی فیلم ساخته‌اند، هنر نیست، باید دستگیری‌هایی و خود داشته باشند. فیلترهایی که مشاوران ایجاد می‌کنند فیلم‌های کمتری می‌توان ساخت. بودجه بیشتری داشته باشند.

جایزه جشنواره چه تأثیری بر کار مستندساز می‌گذارد؟

بگذارید این‌طور توضیح دهم. شما «میشال هلکه» را می‌شناسید ما در یک دفتر کار می‌کردیم و دکتر فایز هایدوشکا، تهیه‌کننده آن دفتر بود که ۲۲ سال است با هم دوست هستیم. «میشال هلکه» نخل طلای کن را گرفته بود، من به آقای هایدوشکا تریک گفتم که موفقیت فوق‌العاده‌ای است که آقای هلکه جایزه گرفته است. دستش را روی لیش گذاشت که آرام صحبت کنید. هلکه این‌جا است. «میشال هلکه» را می‌شناسید ما در یک دفتر کار می‌کردیم و دکتر فایز هایدوشکا، تهیه‌کننده آن دفتر بود که ۲۲ سال است با هم دوست هستیم. «میشال هلکه» نخل طلای کن را گرفته بود، من به آقای هایدوشکا تریک گفتم که موفقیت فوق‌العاده‌ای است که آقای هلکه جایزه گرفته است. دستش را روی لیش گذاشت که آرام صحبت کنید. هلکه این‌جا است.

- شما «میشال هلکه» را می‌شناسید ما در یک دفتر کار می‌کردیم و دکتر فایز هایدوشکا، تهیه‌کننده آن دفتر بود که ۲۲ سال است با هم دوست هستیم. «میشال هلکه» نخل طلای کن را گرفته بود، من به آقای هایدوشکا تریک گفتم که موفقیت فوق‌العاده‌ای است که آقای هلکه جایزه گرفته است. دستش را روی لیش گذاشت که آرام صحبت کنید. هلکه این‌جا است.

### خاطراتی برای تمام فصول

۳۲ سال پیش و به مرور فیلم‌هایی در ارتباط با مجروحان جنگی و حضورشان در وین تهیه کردم و در چند سال مدام مجروحان جنگی به آنجا منتقل می‌شدند و من نیز فیلم‌هایی از آن‌ها تهیه می‌کردم. تا اینکه سال ۹۰ رفتم و با آنها دیدار کردم. آن‌ها به من گفتند که ما در آنجا هستیم و بعد سفرهای من در داخل و خارج از کشور آغاز شد تا بتوانیم خاطراتی که سال‌ها قبل با آن‌ها دیدار داشته‌ام بپیدا کنیم. در جریان همین سفرها متوجه شدم برخی از این دوستان شاهد جنگ بوده‌اند و با پزشکانی آن‌ها از دنیا رفته‌اند. این زمان بود که شروع به نگارش قصه کردم. حدود یکسال و نیم ساخت فیلم‌ها را برد، دلیل من برای ساختن این فیلم مشخص بود. سال‌ها در اروپا بر سر موضوع مبارزان شیعیان سرپوش گذاشته شد و من قصد داشتم این موضوع را زوایت کنم. مفهوم موضوعی که قصد داشتم به تصویر بکشم برایم جذاب بود. وقتی بعد از ۳۲ سال توانستم برخی از آن‌ها پیدا کنم این نکته تو چه را جلب کرد که آن‌ها نه خواستهای داشتند و نه ادعایی و این بیشتر من را برای ساختن این فیلم معمم کرد. موضوع فیلم سیاسی بود، اما من قصد ساخت فیلم سیاسی داشتم و بعد انسانی قصه برایم اهمیت داشت.

### اخلاق در مستندسازی

کارگردانان ما باید اخلاق را نیز در آثارشان رعایت کنند. از بعد اخلاقی یک مستندساز نباید از شخصی که جلوی دوربین او قرار می‌گیرد برای رسیدن به اهدافش سوء استفاده کند. از نظر اخلاقی این ظلم بزرگی است که یک یک فرد به دیگری بخواهد به تصویر بکشد. اگر آن فرد عاجز هم باشد و نتواند شکایت کند، به نظر من در شان یک انسان سالم نیست که همچنین کاری انجام دهد. زمانی من در آن‌ها بودم و تریبیت فیلم می‌ساختم. قبل از آن مستندسازانی به آنجا آمده بودند و از کودکانی که آن‌جا بودند تصاویر رقصیند گرفته بودند. مناسفه آن‌ها اینگونه مستندها نمی‌دیدم. من در آن‌جا فیلمی در مورد عاشورا ساختم. در آن‌جا به ما مراسم را اجرا کردند. مداح هم نبودیم. آن‌ها برنامه‌های اجرا کردند که ششام عربیان واقعی بود. حتی نگهبانان و ترسانان هم می‌کردند. این نوع عزاداری در حالی بود که ششام برخی از آن‌ها وقتی به سن قانونی می‌رسیدند، اعدام می‌شدند.





نام فیلم: برای کتابهایم  
کارگردان: رضا حائری  
مدت زمان: ۳۰ دقیقه

درباره فیلم: برای کتابهایم به روایت یک روز کاری بوران دخت سلطانی می‌پردازد. او فرهیخته‌ای بود که تحول چشمگیری در توسعه کتابداری نوین در ایران ایجاد کرد و به همین دلیل او را مادر کتابداری ایران می‌دانند. سلطانی کوششید کتابخانه ملی ایران را به سطح علمی و فنی بزرگ‌ترین کتابخانه‌های ملی دنیا برساند.



### برای مادر کتابداری نوین ایران

روایت رضا حائری از مستند «برای کتابهایم»

نخستین بار ختم سلطانی را در اتاق کوچکی در زیرزمین کتابخانه ملی ایران ملاقات کردم. برای تحقیق فیلمی به کتابخانه ملی رفته بودم. سینم کتابخانه کارایی چندینی برای پژوهش نداشت و عملاً جست‌وجوی اسناد کاری دشوار بود. با پرس‌وجو فهمیدم قلب کتابخانه ملی در همان اتاق کوچک ختم سلطانی است. در برخورد اول ایشان با کمال سخاوت و با صبر و حوصله تمام مرا راهنمایی کردند تا اسنادی را که به دنبالش بودم، بسا کم این رفتاری نایاب است که شما به سازمانی بروید و کسی برای کار شما اهمیت قائل شود و به شما احترام بگذارد و من فکر کردم این تجربه باید جایی ثبت شود. مدت‌ها در فکر ساخت مستندی بر اساس زندگی بوران دخت سلطانی بودم تا این که خوشبختانه ایده ام عملی شد و آرزویی که داشتم رنگ واقعیت دید.

یک روز با دوربین و گروه کوچکی به کتابخانه ملی رفتم و از ایشان درخواست کردم بخش‌های مختلف کتابخانه را به ما نشان دهند. این کاری بود که بسیار دوست داشت. پس ما شروع به کار کردیم، اما از سوی مسئولان رده بالای کتابخانه همکاری صورت نمی‌گرفت و با وجود نامتواری‌ها و مجوزهای مختلف، همه جا با مشکل مواجه می‌شدیم، حتی حاضر نشدند از شیوه‌های درخواستی را به ما بدهند. کمی بعد یک تدوین اولیه را برای ریاست کتابخانه فرستادم که هیچ جوابی به درخواست بنده و حتی برای یک دیدار ساده با حمایت از فیلم داده نشد.

متأسفانه بعدها در هر موقعیتی دیدم که کتابخانه ملی بدون اجازه و در بدترین سلیقه تصویری ممکن از این نماها استفاده و آنها را منتشر کرد. سعی کردم ماجرا را مانند بسیاری از بلاها و ماجراهای غم‌انگیز دیگری که در این کشور بر سر فیلمسازان و پژوهشگران می‌آوردند، فراموش کنم. پس به یاد مرتضی کیوان در نهایت اسم فیلم را «برای کتابهایم» گذاشتم که درباره یک روز کاری بوری و همکارانش در کتابخانه ملی ایران است.

### درباره فیلم

نام فیلم: ننا  
کارگردان: محمدرضا وطن دوست  
تهیه کننده: محمدرضا وطن دوست  
زمان: ۷۰ دقیقه  
درباره فیلم: «ننا» مستندی در رابطه با طبیعت و در دل طبیعت است. در آن آداب، رسوم و سنن شالیکاران در چهار فصل سال نشان داده شده است. فیلم را می‌شود هم از زاویه محیط زیستی، قوم‌نگارانه و شاعرانه نگریست.



### درباره کارگردان

نام کارگردان: محمدرضا وطن دوست  
مهم‌ترین آثار: در دامان سرخ کوه (مستند)، وقتی لیموها زرد شدند (فیلم بلند داستانی)، قسه دیوار (فیلم بلند مستند داستانی)  
مهم‌ترین جوایز: بهترین فیلم اول از جشنواره مونترال کانادا، جایزه ویژه هیأت داوران بهترین فیلم از جشنواره آوانکای پرتغال و...



# دریا شالیزار، جنگل گندمزار

گپ و گفتی با سازنده مستند «ننا»، محمدرضا وطن دوست از دلایل پرداختن به این سوژه و جایگاه مستند در ایران گفته است

محمدرضا کاظمی  
rezakazemi.press@gmail.com

«ننا» را می‌توان یکی از خاص‌ترین آثار حاضر در جشنواره سینما حقیقت دانست. اثری که هیچ گفتاری در آن به کار نرفته است و مخاطب به‌طور مستقیم با طبیعت سروکار دارد. محمدرضا وطن دوست، کارگردان ۳۸ ساله از چهره‌های شناخته شده دنیای مستند است که البته در زمینه ساخت فیلم کوتاه و فیلم بلند داستانی هم دستی بر آتش دارد. با این کارگردان درباره دشواری‌های ساخت مستند «ننا»، دغدغه‌هایی که باعث شد به سمت ساخت چنین اثری برود و همین‌طور توجه به سینمای مستند در ایران گفت و گو کردیم.

مستند «ننا» که در جشنواره سینما حقیقت امسال حضور دارد، دقیقاً در چه رابطه‌ای است و چه حرفی برای گفتن دارد؟  
«ننا» از یک بستر اولیه کاشت، داشت و برداشت شالی آغاز می‌شود و در ادامه بسسترهای جدیدی ارائه می‌دهد. در آن آداب، رسوم و سنن شالیکاران را در چهار فصل سال به شکل ویژه‌ای مشاهده می‌کنیم، اما ساختار بصری و صوتی اثر به صورتی خلق شده است که کل اثر در رحم هستی، رحم طبیعت می‌گذرد. ما تصویر و صدا را از درون رحم می‌نگریم و می‌شنویم. این نوع زاویه دیداری و شنیداری، جهانی فراواقعی را به ذهن متبادر می‌کند که آیا جهان ما جهانی واقعی است و آن چه نمایش داده می‌شود جهان غیرواقعی است یا برعکس مادر جهانی مجازی زیست می‌کنیم.

یعنی ما در این جا با یک فیلم دوستدار طبیعت و محیط‌زیستی روبرو هستیم؟  
فیلم را می‌شود هم از زاویه محیط‌زیستی، قوم‌نگارانه و شاعرانه نگریست. در ساختار کلی با اثری روبرو هستیم که در فرم و محتوا کاملاً نو و خلاقانه خود را از راه می‌دهد. فیلم از گفتار به هیچ وجه سود نمی‌برد و فقط صداسازی و موسیقی ساختار شنیداری آن را پیش می‌برد. همین‌طور تمامی تصاویر از انعکاس جهان در آب فیلمبرداری شده و هیچ‌گونه دستکاری دیجیتالی در آن صورت نگرفته است.

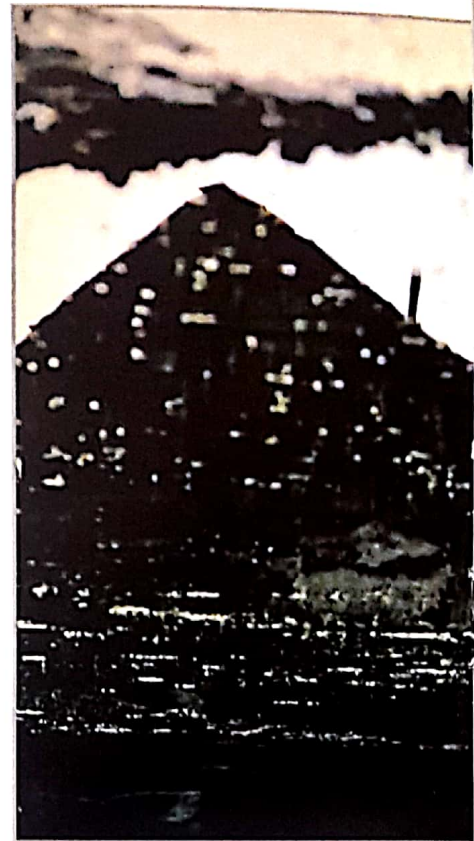
چه دغدغه‌ای باعث شد به این موضوع خاص بپردازید؟  
جایی به دنیا آمادهم که از شمال به دریا و شالیزار، از جنوب به جنگل، از شرق به گندمزار و از غرب به باغ‌های پرتقال می‌رسید.

من فرزند طبیعتم. وقتی مشاهده می‌کنید در گذر زمان محیط‌زیست زیبا رو به زشتی است، اندوهگین می‌شوی و رنج می‌کشی، به فکر فرو می‌روی، باید کاری کرد. هر کس که زیبایی را درک کند، دچار رنج تنهایی می‌شود. ما هنرمندان دوست داریم این درک زیبایی رنج‌آلود را با دیگران به اشتراک بگذاریم تا از رنجش آن کاسته شود و بتوانیم این رنج را تحمل و اندیشه‌ای کنیم. هنرمند، پیامبر زمان خویش است و باید رسالت خویش را به زیباترین صورت ممکن انجام دهد.  
یعنی همه حرف‌هایی که در مستند «ننا» زدی، ریشه در دوران کودکی خودت دارد؟  
آب منشأ زندگی است و در دوران کودکی تصویر خیال‌انگیز انعکاسی در شالیزارها و چشمه‌ها مرا میبوهت خود کرده بود و این سایه‌ها، رنگ‌ها و نورها با دوران نوجوانی ام عجین بوده است. وقتی از افلاطون می‌خواندم از غار و سایه، حقیقت، واقعیت و مجاز و... فرم و محتوا در هم تنیده‌اند و مجزا نیستند. فرم زاده محتوا و محتوا زاده فرم است.  
از پژوهش‌هایی که برای ساخت این اثر انجام شده برای‌مان بگویید.  
پژوهش در این اثر به صورت شفاهی بوده که در دل آن پنهان شده است. مانند مراسم‌های آیینی، آفتاب‌خواهی، باران‌خواهی، رقص مترسک، جشن شالی و غیره.  
در راه ساخت این مستند چه مشکلات و دشواری‌هایی داشتید؟  
همیشه برای خلق هر اثر اهورایی، نیروی اهریمنی هم وجود دارد. این نیروهای اهریمنی بخشی از کار هستند، مثل کمر دردهای شدید، رماتیسم، شکستن لنز و دوربین به دلیل

خرد و تجربه

## Sea Rice Paddies, Forest Wheat Fields

Mohammadreza Vatandoust, the director of "Nana" talked about the situation of documentary in Iran and the reason of choosing the subject of his film. "Nana" is one of the most special documentaries in Cinema Verite Festival, the has no dialogue or narration and whole of its scenes are passed in the nature of north of Iran which is so beautiful. Mohammadreza Vatandoust is a famous young director who is 38 years old; of course, he has made some short films also full-length features. "Nana" starts with a very simple narrative in planting and harvesting and then after it presents some new ideas. In that time we see rites and customs of farmers in four seasons in a special way but visual and audio structure of the work is passed in the heart of nature and in bigger scale in universe. We can say that the film is related to environment while we can assume it as a poetic one." Mohammadreza Vatandoust



■ نام فیلم: همسایه‌ها  
 ■ کارگردان: مهدی طرفی  
 ■ درباره فیلم: «همسایه‌ها» یا «الجبران» روایتی است از زندگی و ارتباط اجتماعی مردم مرزنشین غرب ساکن جنوب غربی ایران که پیوند نسبی و قبیله‌ای با مردم عشایر جنوب عراق دارند. با وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله از طرف بعضی‌ها، مردم دوسوی مرز همچنان ارتباط اجتماعی خود را به شکلی خاص حفظ کردند.



## همسایگی زیر توپ و تانک

زیر توپ و تانک «همسایه‌ها» به روایت مهدی طرفی

مستند «الجبران» یا به فارسی «همسایه‌ها» روایت مردم عرب ایران است که در مرز ایران و عراق زندگی می‌کنند و با مردم جنوب عراق در حاشیه اروند همسایه، دوست یا فامیلی هستند. این ارتباط میان مردم دو کشور همسایه به دلیل فرهنگ، زبان و مذهب مشترک همیشه وجود داشته تا این که در دوران هشت سال جنگ ایران و عراق ناخواسته قطع می‌شود. با این وجود، گرچه جنگ بین دو کشور در جریان بود، اما مردم چون با یکدیگر روابط دوستی و فامیلی با مرادها و تجاری و کشاورزی داشتند، این ارتباط را با صدا حفظ می‌کنند. بعد از مدتی از شروع جنگ بین مردم باب می‌شود که کارهایشان از جمله اظهار دلنگاری را روی نوار کاست ضبط می‌کردند و برای دوستان و اقوامشان در آن طرف مرز می‌فرستادند. من حدود ۱۴ کاست از این نمونه‌ها را پیدا کردم که وقتی به آن‌ها گوش می‌کنید پر از زندگی هستند آن هم وقتی که دقیقاً در نزدیکی شان در مرز جنگ جریان دارد. حتی روی این کاست‌ها خواستگاری، خوانده خلیفه عقد غیبی و دعوا هم شنیده می‌شود. شاید جالب باشد بدانید که مثلاً روی این کاست صدای ریش‌سفیدان یک طایفه برای خواستگاری ضبط و توسط زنان از روی شط به آن طرف مرز برده می‌شد تا این خواستگاری انجام شود. اما ماجرای اصلی مستند، داستان یک عکاس دوره‌گرد است که با دختر عموی پدر خود نامزد می‌کند. نامزد او آن طرف اروندرود در عراق ساکن بوده و خودش در این طرف اروندرود در ایران. ناصر اهل خرمشهر بود که در روستاها و شهرهای مرزی می‌گشت و عکاسی می‌کرد. وقتی جنگ راه افتاد و نمی‌توانست نامزدش را ببیند، برای او نوار کاست پر می‌کرد و می‌فرستاد. بسیاری از مردم هم رفته‌رفته از او می‌خواستند که صدای‌شان را برای آشنایان ضبط کند و همین جریان موجب می‌شود ناصر این بار به جای عکاسی به ضبط صدای مردم بپردازد. این اتفاق البته مخصوص خلیفه جنوب نبود و مثلاً در مرزهای کردنشین ایران و عراق هم که ارتباط‌های خوبی و فامیلی داشتند، وجود داشت. در جریان جست‌وجو برای کاست‌ها حتی کاست‌هایی از کویت پیدا کردم که ایرانی‌هایی که حتی پیش از جنگ برای کار به کویت رفته بودند، ضبط و ارسال کرده بودند.

## جایزه شهید آوینی

رنج زادن، رنج زادن است. وقتی جایگاه آفرینش به تو تقدیم می‌شود، فرقی ندارد که چه می‌آفرینی، رنج و لذت با تو همراه خواهد بود. فقط نیاز به آرامش است که باعث تمرکز است و تمرکز باعث تسلط. وقتی مسلط باشی سختی معنای بیرونی نخواهد داشت.

■ کدام یک از این دو سبک فیلمسازی برای شما لذت‌بخش‌تر است؟  
 سینمای مستند، سینمای شریف است، سینمای اندیشه و فرهنگ و غیره. کشف و شهود در سینمای مستند برای لذت‌بخش‌تر است.

■ حالا اگر بخواهید تفکیک کنید، مستند ساختن اولویت چندم شماست؟  
 بنده به دنبال بستری هستم برای زایش فکر، اندیشه و ایده‌هایم. هر بستری که فرصت خلق بدهد آن بستری اولویت خواهد بود.

■ اصلاً اگر بخواهید تعریف دقیقی از مستند داشته باشید، چه می‌گویید؟  
 زیباترین تعریف سینمای مستند از هر پرسون این گونه است: مستند، تفسیر خلاقانه واقعیت است. سه کلمه تفسیر، خلاقانه و واقعیت، یعنی یک واقعیت به صورت خلاقانه و از زاویه دید خالق اثر به ما نشان داده می‌شود، بنابراین همه ما در حال کپی از واقعیت هستیم. با زبانی دیگر، واقعیت تصویرگردنی نیست، بنابراین چند درصد از فیلم‌های به نمایش درآمده ما خلاقانه به سینمای مستند نگریستند؟ درصد آن‌ها بسیار اندک است، صورتی که سینمای مستند ما آغازی پر شور و نو گرا داشته است. آثاری چون اون شب که بارون اومد، خانه سیاه است، تپه‌های قیطره، به مثل پلیکان و... نشانگر راه درست سینمای مستند خلاق ما بوده‌است که متأسفانه از آن دور شدیم.

■ فکر می‌کنید چرا این اتفاق برای مستند ما افتاده و از مسیر اولیه و درستی که داشته خارج شده است؟  
 در سینما به خصوص سینمای مستند، به سینمای اجتماعی مستقیم گوی گزارشگر و مباحثه‌محور روی آوردند که به نظر بنده جایب در تلویزیون است. هنر و رسانه دو مقوله جدا هم هستند و قداست سینما زیننده آن است که آثاری درخور، در آن نمایش داده شوند. در جهان معاصر بدون خلاقیت نمی‌توان جزئی از جهان بود و این مساله جدای از سینمانمی تواند باشد.

شبهه فیلمبرداری و فشارهای مالی، همچنین طولانی بودن پروژه و چیزهایی از این دست. اما در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن/ شرط اول قدم آن است که مخون باشی.

■ فیلمبرداری «ننا» با این شرایط عجیب و غریب چقدر طول کشید؟  
 از ۹ سال پیش که استن این ایده بودم، به این شبهه عکاسی می‌کردم، اما ۶ سال آن همراه با فیلمبرداری «ننا» بوده‌است.

■ به نظر تان این مستند که سال‌های زیادی درگیر ساختن آن بودید، در جشنواره سینما حقیقت امسال چه بازخوردهایی خواهد داشت؟  
 من فکر می‌کنم نوع نگاه متفاوت در ساختار و فرم این اثر، مورد توجه هنردوستان قرار خواهد گرفت.

■ آقای وطن دوست، با توجه به تعریفی که ارائه دادید ذهن مان به سمت سینمای تجربی می‌رود. از نظر شما تعریف این نوع سینما چیست؟  
 سینمای تجربی، سینمای تجربه کردن نیست بلکه سینمای تجربه‌های ناب و سینمای نو است. این سینما خاص‌گسرای و نخبه‌محور است و با نشانه‌گیری ذهن و روح آدمی، جهان و اندیشه را به چالش می‌کشد. سینمای تجربی یا از دیدگاه بنده سینمای خلاقانه، سینمای اندیشه‌های نو برای مشتاقان نوجو است و در فرم و محتوا کاملاً قانون‌گریز عمل می‌کند. سینمای تجربی در طول تاریخ سینما با اسامی مختلفی مثل سینمای آوانگارد، زیرزمینی، ضد جریان، آرت‌ناتو، مستقل، هنری و... تا کید شده است. اما در نهایت سینمای تجربی سینمای خلاق قواعدگریز است، سینمایی است که می‌تواند دربرگیرنده انواع سینما باشد، از سینمای مستند گرفته تا داستانی و یا انیمیشن، اما در ساختار و روایت باید تجربه‌های بکر را در بطن داشته باشد و ایده‌های نو که بتواند در طول اثر آن را پرورش داد و به نتیجه برساند. مانند آثاری از ریگا ورتوف، ژان لوگ گدار و اندی وار هول در مردی با دوربین فیلمبرداری با خواب.

■ با توجه به این که شما سابقه ساخت فیلم بلند را هم دارید و کارنامه کاری تان از این نظر نیز پر و پیمان است، ساخت مستند را سخت‌تر می‌دانید یا فیلم بلند؟  
 سخت‌تر می‌دانید یا فیلم بلند؟

فیلم از گفتار  
 متن ندارد و  
 فقط صداسازی و  
 موسیقی سافتکار  
 شنیداری، آن  
 را پیش می‌برد.  
 همین‌طور  
 تمامی تصاویر  
 از انعکاس  
 جهان در آب  
 فیلمبرداری  
 شده و هیچ‌گونه  
 دستکاری  
 دیجیتال در آن  
 صورت نگرفته  
 است

من فرزند  
 طبیعتم.  
 وقتی مشاهده  
 می‌کنید در  
 گذر زمان  
 معیبه‌ایست  
 (ییا زوبه)  
 زشتی است،  
 اندوه‌مگین  
 می‌شوی و رنج  
 می‌کشی، به  
 فکر فربه می‌روی،  
 باید کار کنی،  
 هر کس که  
 (ییا زوبه) را در  
 کند، دچار رنج  
 کله‌های می‌شود

**درباره فیلم:** مستند کوتاه «رو به فردا» درباره زنان ورزشکاری است که به صورت حرفه‌ای و تمام‌وقت به ورزش فیرمانسی می‌پردازند. در این فیلم تلاش چند نفر از بانوانی را که عضو تیم ملی تکواندو، دوومیدانی و تیر کمان هستند، برای گرفتن سهمیه المپیک ريو می‌بینیم. در کنار آن چالش‌ها، نگرانی‌ها و سختی‌های مسیر آن‌ها در فیلم آورده شده است.



### امید در حلقه‌ای از محدودیت‌ها

روایت سعید رسولی از «رو به فردا»

۱ من به دو دلیل سیزده فیلم را انتخاب کردم. نخست این که همسرم به شکل حرفه‌ای به ورزش تکواندو می‌پردازد. به همین دلیل من از نزدیک با محیط ورزشی بانوان، تلاش‌ها، مشکلات و آرزوهایشان که معمولاً تحقق پیدا نمی‌کند آشنا هستم. دلیل دوم هم این بود که حدود ۱۰ سال پیش یک مستند برای شبکه پرین تی‌وی درباره ورزش فوئسال بانوان ساخته بودم. آن زمان فوئسال بانوان هیچ پیشرفتی نداشتند و این گونه که امروز شاهدش هستیم نبود. بهر حال از همان زمان این مسأله برای من تبدیل به دغدغه‌ای شد و خواستم در «رو به فردا» عمیق‌تر به آن بپردازم. بیشتر سعی من بر این بود که بی‌طرفانه و بدون این که به سمت مطلوب جنمایی بروم، مسأله را بیان کنم.

۲ ما ۳ رشته تکواندو، تیر و کمان و دوومیدانی را که برای رفتن به المپیک تلاش می‌کردند، انتخاب کردیم. از چند ماه قبل سراغ آن‌ها رفتیم تا شاهد تلاش‌شان حتی پیش از کسب سهمیه برای رفتن به المپیک که بزرگترین رویکرد ورزشی به ششمار می‌آید، باشیم. ولی در شیوه روایت داستان یک حرکت سمبلیک انجام دادیم. بدین ترتیب که سراغ چند نفر از بانوان تیم ملی کوهنوردی رفتیم که المپیک شامل حال رشته آن‌ها نمی‌شود. تصمیم گرفتیم تصویر یک روز صعود آن‌ها را موازی با تلاش‌های ورزشکاران در انتظار المپیک نمایش دهیم.

۳ مهم‌ترین نکته فیلم این است که این خانم‌ها در عین حال که محیط برای‌شان فراهم نیست، انرژی و انگیزه بسیار زیادی برای موفق شدن دارند و من چون مستندها و برنامه‌های ورزشی زیاد کار کرده‌ام، به این نتیجه رسیدم که با وجود محدودیت‌هایی که در کشور برای‌شان وجود دارد، این دختران انگیزه بیشتری نسبت به بزرگان دارند. از طرفی خیلی از آن‌ها با محدودیت‌های مالی نیز مواجه هستند. چون کسی که برای فیرمانسی ورزش می‌کند باید تمام زندگی خود را صرف آن کند. ولی در ایران مسابقات آن‌ها از تلویزیون بخش نمی‌شود و در نتیجه دیده نمی‌شوند و اسپانسر هم به سراغ‌شان نمی‌رود.



## روزهای زندگی

سعیده شریعتی در بازگشتی که به خانه قبلی داشته است، خاطرات خود را به همراه خانواده‌اش در قالب مستند «پسین» مرور می‌کند

سوسن سیرجانی  
soosansirjani@yahoo.com

همیشه گفتن و شنیدن از خاطرات قدیمی، شیرین است. به ویژه برای ما ایرانی‌ها که به نوستالژی علاقه‌ای ویژه داریم. این که با یک دوربین به خانه‌ای باز گردی که سال‌ها در آن همراه با عزیزترین افراد زندگی‌ات روزگار می‌گذراندی، ایده‌ای جالب است که ذهنم سعیده شریعتی را فلک‌گداز داده و حاصلش شده مستند «پسین». با او درباره این فیلم گفت و گو کردیم.

**معمولاً ساخت فیلم حالا کوتاه یا بلند در تنها یک لوکیشن سخت است. برای شما چطور تجربه‌ای بود؟**  
«پسین» یک پلان سکانس ۱۲ دقیقه‌ای است و از ابتدا هم قرار بود در خود خانه شروع و در همان جا هم تمام شود. من در تمام دو سال آخری که در آن خانه زندگی می‌کردم، برای ساخت فیلم دیگری درباره خانواده و مخصوصاً پدرم، فیلمبرداری می‌کردم و راش‌های زیادی از زندگی خودمان داشتم و شاید اگر آن راش‌ها نبود اصلاً نمی‌توانستم این فیلم را بسازم. از طرفی شنیدم که صاحب‌خانه، آن ملک را فروخته بود و فقط چند روز تا اسباب‌کشی افراد جدید فرصت داشتم تا فیلم را تمام کنم.

**فیلم «پسین» حدیث نفس است یا برگرفته از ایده‌ای است که دیگران به شما پیشنهاد داده‌اند؟**  
من سر کلاس استاد علی رازی بودم که ایشان پروژه‌های برای ساخت فیلم ارایه کردند. بر این اساس که هر چیزی، هر جایی و هر شخصی در تهران که برای آدم‌ها می‌تواند اهمیت داشته باشد، چه از بعد سیاسی، چه از بعد احساسی و عاطفی. برای من این خانه اهمیت داشت، چون سه سال آخری که همراه خانواده‌ام زندگی می‌کردم، در این خانه گذرشته بود و تصمیم گرفتم درباره‌اش فیلم بسازم.

**اگر این خانه، خانه خاطرات خودتان بوده، چرا روی فیلم، گفتار متن قسار دادید و خودتان درباره خانه صحبت نمی‌کنید؟**

ساختار فیلم به گونه‌ای است که حتماً باید گفتار متن داشته باشد. من خیلی حرف‌ها برای گفتن داشتم و باید روی هر کدام از پلان‌ها به نکاتی اشاره می‌شود. اما با این که خودم در تصویر هستم، هیچ صحبتی نمی‌کنم. من راجع به تمام احساساتم نسبت به گوشه گوشه خانه، متن نوشتم و به یکی از دوستانم دادم که او براساس یک چارچوب‌بندی خاص آن را درست کرد. به هر حال این حرف‌ها یا باید به صورت کیشن می‌آمد یا نریختن و من ترجیح دادم از روش دوم استفاده کنم.

**مخاطب چطور با داستان این خانه روبه‌رو می‌شود؟**  
یک فرد برای آخرین بار وارد خانه‌ای می‌شود که تقریباً خالی است. چند تکه وسیله در خانه مانده است و او می‌آید که آن‌ها را با خود ببرد. وقتی در حال بیدار کردن وسیله‌های جامانده است، یاد خاطراتی از نقاط مختلف خانه می‌افتد. سعی شد آن پلان‌هایی که قرار بود در فیلم با ویدیو پروژکشن بخش شود و همه از فیلم‌های بکر و واقعی مربوط به گذشته است، دقیقاً در همان جایی نشان داده شود که در گذشته اتفاق افتاده است. مثلاً در آشپزخانه، اتاق خواب و هر جای دیگری. یاد خاطرات آن مکان می‌کند و تصاویری از گذشته همان نقطه از خانه بخش می‌شود. تا این که آخرین بار بالکن می‌شود و با یادآوری این که خیلی از خانه‌های شهر خالی است. اما پر از خاطرات افرادی که در آن‌ها زندگی می‌کردند، فیلم تمام می‌شود.

**Days of Life**  
Saeedeh Shariati reviews her memories of her past home which she lived there with her family in "Hindmost" documentary. Always telling and hearing old memories are sweet, especially for us as Iranians who are very interested in nostalgia. It is very interesting idea to return to a home which you leave it long time ago and once you lived there with your best and dearest people of your life; it was the idea that giggled Saeedeh Shariati and then the result has become "Hindmost". "Hindmost" is a 12-minuete plan-sequence. Firstly it was supposed to start from home and end at home. I had many rushes from the two last years I was living at that home because I was making another documentary, If hadn't those rushes I never could make this film." Saeedeh Shariati



## خانه‌ای به وسعت جامعه

همراه با مهدی ملک زاده و مستند «بامداران»؛ این مستند به روند بازسازی خانه‌ای قدیمی و محلی در شمال کشور و در جامعه‌ای می‌پردازد که تاریخ، هویت و گذشته‌اش دستخوش تغییر شده است

عرفان جلالی

jalali.se@gmail.com

## A House As Big As the Society

A group of youth decides to restore a 150-year-old house to maintain its identity and history in a village in the north of Iran with special attention to its traditional and local architecture. The film is all the process of restoration and attempts of the group for repairing the village house. While the documentary shows the trend of restoration of an old house in the north of Iran, it considers deeper layers of society that the history, identity and past are going to be changed. "I usually travel to different areas especially to north of Iran, but in one of my trip, I accidentally faced with a very old house in a village. I wanted to know about the story of the house. Finally I found out the third generation of the family have decided to repair it." Mehdi Malekzadeh

### درباره فیلم

- نام فیلم: بامداران
- کارگردان و تهیه کننده: مهدی ملک زاده
- پژوهشگر: مهدی طلوعی
- زمان: ۵۶ دقیقه
- درباره فیلم: گروهی از جوانان یک خانواده تصمیم می‌گیرند برای حفظ هویت و تاریخ ۱۵۰ ساله خانه قدیمی خانوادگی شان در روستایی در شمال کشور، آن را بازسازی کنند. سنتی و محلی‌اش، ترمیم و بازسازی کنند.

مرثیه‌سرای و شکایت روی آورد یا مانند نسل سومی‌ها در این فیلم، با انگیزه و تلاش فراوان برای حفظ این فرهنگ و تاریخ غنی اقدام کرد. به نظر رسیدن به این هدف، بیش از هر چیز نیازمند تعامل میان نسل امروز و گذشته است. فیلم شرایطی را به تصویر می‌کشد که می‌توان گذشته را حفظ کرد، البته این به معنای غرق شدن در گذشته نیست، بلکه منظور حفظ هویت و فرهنگ جامعه در مختصات زندگی امروز است.

### تصاویر ناب و چشم‌نواز

این جنس آثار مستند به دلیل فیلمبرداری در مناطق سرسبز و زیبای شمال کشور جذابیت‌های بصری فراوانی برای بیننده به همراه دارد، ملک‌زاده با تأیید این موضوع به جذابیت‌های فیلمش برای مخاطب عام اشاره می‌کند: «در پلان‌های فیلم سعی کردیم با گرفتن تصاویر ناب و زیبا بر جذابیت بصری فیلم بیفزاییم تا مخاطب با تماشای آن احساس کند با یک تابلوی زیبا و چشم‌نواز روبه‌رو است و در پس این تصاویر زیبا، پیام خود را به بیننده منتقل کنیم.»

### مستندسازی یک مکاشفه است

ملک‌زاده در بخشی از گفت‌وگو به مشکلات فراوان تولید پروژه‌های مستند اشاره و اظهار می‌کند: «یکی از بزرگ‌ترین مشکلات سینمای مستند این است که معمولاً این گونه آثار با بودجه شخصی ساخته شده‌اند، به همین دلیل بازگشت مالی برای سازندگان ندارند. از این منظر فیلمسازی مستند بیشتر یک علاقه شخصی و دلی است. از طرف دیگر، محدودیت‌های مالی، پروژه را در اجرا نیز دچار مشکلات مختلف می‌کند و کارگردانان به دلیل مشکلات مالی مجبور می‌شوند تا آن‌جا که می‌توانند گروه را جمع‌وجور کنند و کارهای مختلف را به یک نفر بسپارند که این مساله فشار زیادی را به آن‌ها وارد می‌کند.»

دغدغه‌های اصلی و همیشگی‌ام مسایل زیست‌محیطی و همچنین سبک زندگی ایرانی بوده است. به‌ر حال ما در یک جامعه در حال گذار یا در حال توسعه زندگی می‌کنیم، به همین دلیل در مقطعی تاریخی قرار داریم که بسیاری از پدیده‌ها در حال تغییر و دگرگونی هستند. در این میان، بخشی از فرهنگ جامعه همچنین سبک زندگی مردم نیز در حال تغییر است که نمایش این موضوعات برایم جذابیت زیادی دارد.»

### نگاه انتقاده‌به نسل سومی‌ها

بامداران اما برخلاف نگاه انتقادی و منفی بخش‌هایی از جامعه نسبت به نسل سومی‌ها، به حضور پرشور و بالزری این نسل در جامعه و تلاش آن‌ها برای حفظ هویت و تاریخ چند هزار ساله ایران اشاره می‌کند. او در این خصوص چنین می‌گوید: «متأسفانه در بخش‌هایی از جامعه نوعی نگاه انتقاده‌به نسل سومی‌ها حاکم است مبنی بر این که آن‌ها نسبت به مسایل و اتفاقات جامعه بی‌تفاوت هستند، اما همان‌طور که در فیلم می‌بینیم این نگاه به هیچ عنوان درست نبوده، اتفاقاً آن‌ها حتی بیشتر از پدران و مادران‌شان نسبت به جامعه و کشورشان دغدغه داشته‌اند و با وجود این که اکثرشان در خارج از کشور زندگی می‌کنند، به ایران سفر کرده و می‌خواهند با بازسازی و نجات این خانه به نوعی هویت و تاریخ کشورشان را حفظ کنند. جالب است مالکان این خانه که خود نسل اولی محسوب می‌شوند خیلی تمایلی به انجام این کار نداشتند، حتی به آن‌ها اعتراض هم می‌کردند.»

### حفظ هویت و فرهنگ جامعه

از او می‌پرسم آیا می‌توان این خانه را نمادی از یک جامعه دانست، جامعه‌ای که برای بقا نیازمند حفظ تاریخ، هویت و فرهنگ اصیل و غنی‌اش است. او چنین پاسخ می‌دهد: «بله، واقعیت این است که این فیلم در لایه‌های عمیق‌تر به نوعی تمثیلی از یک جامعه است که دستخوش تغییرات گسترده می‌شود. در این خصوص دو رویکرد و نگاه را می‌توان نسبت به تغییرات در جامعه در نظر گرفت، می‌توان برای نابودی تاریخ و گذشته کشورمان تنها به

### تولد یک ایده

مهدی ملک‌زاده درباره ایده اولیه ساخت «بامداران» می‌گوید: «من معمولاً سفرهای زیادی به نقاط مختلف به خصوص مناطق شمالی کشور دارم. در جریان یکی از این سفرها به صورت اتفاقی با خانه‌ای بسیار قدیمی در روستای مرجان‌لات در منطقه‌ای نزدیک تنکابن روبه‌رو شدم که همچنان مسک معماری خاص و ویژه‌اش را حفظ کرده بود و به نظر می‌رسید حجم گسترده تغییرات هنوز به آن‌جا نرسیده است. دوست داشتم بدانم داستان این خانه چیست. پس از پرس‌وجو و تحقیق در این باره، متوجه شدم این خانه با قدمتی ۱۵۰ ساله متعلق به یک خانواده اصیل مازنی است. اما نکته جالب‌تر در مورد این خانه این بود که تعدادی از فرزندان نسل سوم این خانواده فکر و ایده جالبی را مطرح کردند و می‌خواستند به صورت خودجوش خانه را با حفظ معماری و اصالتش، بازسازی و از خطر نابودی نجات دهند. او ادامه می‌دهد: «ایده اولیه این فیلم از سال ۹۳ شکل گرفت و از آن زمان بود که رفت‌وآمدهای مابین من و این منطقه شروع شد.»

### سخت‌ترین لحظه

این مستندساز با اشاره به روند دشوار بازسازی این خانه می‌گوید: «سخت‌ترین قسمت فرآیند بازسازی این خانه در واقع پیدا کردن استادکارهایی بود که بتوانند این کار تخصصی را به درستی انجام دهند. مجموعه‌ای از اساتید و معماران قدیمی و باتجربه از مناطق مختلف شمال جمع شدند و بدون چشم‌داشت مالی و صرفاً به شوق این که کاری را که حدود ۲۰ سال است انجام ندادند، بازسازی این خانه را شروع کردند. برای تعمیر سقف این خانه حدود ۹۰ هزار قطعه چوب را باید به شکلی مهندسی‌شده و منظم جمع‌آوری می‌داند و روی آن‌ها سنگ می‌گذاشتند تا در اثر شرایط جوی چوب‌ها فرو نریزند. نام این فیلم هم برگرفته از اسم جوی است به نام بامدار که در ساخت خانه از آن استفاده می‌شود.»

### نمایش سبک زندگی ایرانی

او به دغدغه‌هایش، به مسایل زیست‌محیطی و سبک زندگی ایرانی هم نقشی می‌زند: «هم‌عنوان یک مستندساز یکی از

## اعتمادسازی کنید

### شروط ساخت مستند زندگی مردمان

من دو فیلم ساختم که فکر می‌کنم برای انتقال تجربه در زمینه انسان‌شناسی تصویری می‌تواند کمک‌کننده باشد. نخستین فیلم در ارتباط با گدایانی است که در آفریقا مشغول به نواختن موسیقی هستند و فیلم دوم مربوط به کودکانی در اتیوپی می‌شود. جالب است بدانید تمام تصویرها در فیلمی که کودکان اتیوپی حضور دارند، داخل یک اتاق گرفته شده است. در واقع موضوع فیلم یک نوع برقراری دیالوگ بین من و کودکان خیابانی در اتیوپی است. تلاش داشتم در این فیلم یک نوع نگاه تعاملی بین من و مخاطب برقرار باشد و او را به فکر فروبرد. یکی از خواسته‌هایم این بود که حضور درونی خود را در یک جامعه بیرونی ببینم. در این فیلم برای برقراری اعتماد به‌ناچار زمانی طولانی را با آن‌ها می‌گذراندم و در بسیاری از مواقع سر یک سفره با هم غذا می‌خوردیم، حتی گاهی اوقات فیلم‌هایی که ضبط می‌کردم را به آن‌ها نشان می‌دادم تا اعتمادشان به من جلب شود. نکته مهمی که باید به آن توجه شود، مساله اعتمادسازی است. در خیلی از مواقع به سوژه نمی‌توان خیلی نزدیک شد و همین اعتمادسازی به شما کمک می‌کند تا کارتان را پیش ببرید. من برای ساخت این فیلم سه‌سال در شهر کوچکی در اتیوپی زندگی کردم و کم‌کم در مواجهه با افراد جامعه و گفت‌وگو با آن‌ها زبان‌شان را یاد گرفتم. همچنین به دلیل برخورد با کودکان خیابانی و گدایانی که به نواختن موسیقی مشغول بودند، اصطلاحات و زبان موسیقی زیرزمینی‌شان را هم یاد گرفتم که در برقراری ارتباط و ایجاد اعتماد بین ما بسیار موثر بود. بومیان اتیوپی تفاوت‌های بسیار خوبی متوجه می‌شوند. گدایان این کشور اصولاً به نواختن موسیقی می‌پردازند، البته کشیش‌های ارتدکس نیز این کار را انجام می‌دهند. گدایانی هم با عنوان بلوچ‌ها وجود دارند که نوازندگان موسیقی‌اند، همچنین نوعی دیگر از گدایان هستند که سازهایی را به دست می‌گیرند، اما نمی‌نوازند. آموزش موسیقی در آن گروه از گدایانی که با موسیقی آشنا هستند، سینه‌به‌سینه منتقل شده است. من همه سعی‌ام را کردم تا اطلاعات درستی به مخاطب ارایه دهم.

### یادداشت



ایستوئی کاواسه  
مدیرس دانشگاه و مستندساز ژاپنی



# جادوی تصاویر آرشیوی

امروزه وبسایت‌های زیادی، تصاویر و فیلم‌های آرشیوی خودشان را به صورت رایگان در اختیار فیلمسازان گذاشته‌اند. اگر می‌خواهید از آن‌ها استفاده کنید، این گزارش را بخوانید

سارا شمیرانی

Sara.shemirani66@gmail.com

موضوع کارگاه | کار با فیلم‌های آرشیوی در مستند تحقیق و استفاده از موارد آرشیوی در فیلم‌های مستند مهمان | الیزابت کلیتک، اوه یانسن

فیلم‌های مستند گاه حقایق روز را بیان می‌کنند و گاه بر ششی از واقعیت در روزگار آن دور را به تصویر می‌کشند. ساختن یک فیلم مستند درباره گذشته ممکن است در نگاه نخست کار سختی به نظر بیاید، چرا که تمام اطلاعات، تصاویر و افراد حاضر در آن دوران دیگر حضور ندارند. اما این تمام واقعیت نیست. امروزه وبسایت‌های مختلفی در دسترس فیلمسازان هستند که می‌توانند با آرشیو کامل‌شان به ساخت یک فیلم مستند کمک کنند. در کارگاه روز جمعه، موضوع کار با فیلم‌های آرشیوی در مستند بر گزار شد و دو مهمان این کارگاه از تجربه ساخت مستند با فیلم‌های آرشیوی و نقش تحقیق در این حوزه گفتند.

نخستین نکته و طلایی ترین

الیزابت کلیتک: در ساخت مستند، تحقیق و پژوهش اهمیت زیادی دارد. این نکته‌ای است که همه فیلمسازان به آن واقف هستند و تلاش می‌کنند با تحقیقات خود، مستندی تاثیرگذار بسازند. اگر قرار باشد در این کارگاه از تجربه‌های شخصی‌ام در زمینه پژوهش، مطالبی را عنوان کنم، بهتر است به راه‌های تحقیق برای ساخت یک مستند پرتز اشاره کنم. نخستین نکته برای ساخت این مستندها دسترسی داشتن به نزدیکان

### معرفی فیلم‌های امروز



زندگی دوم  
Secondlife  
کارگردان: اوژنیوس بانکوف  
لهستان، روسیه ۲۰۱۵

۲  
ایرینا میهنووا تصمیم می‌گیرد به شرکت transhumanت برود. توضیح کاری که این شرکت انجام می‌دهد کمی سخت است. در واقع آن‌ها با می‌توانند انسان‌های قدیم و جدید همسند. ایرینا رفته تا آن‌ها بخواند مادر ۹۸ ساله‌اش را فرزند کند. این کار وقتی می‌تواند انجام بشود که قلب از کار می‌افتد، اما مغز برای چند ثانیه به کار خودش ادامه می‌دهد. ایرینا امید دارد در آینده تکنولوژی آن قدر پیشرفت کند که مادرش را از حالت فرزند خارج و در حقیقت دوباره زنده‌اش کند. از نظر او شاید حتی تکنولوژی به جایی برسد که توانستند مادرش را جوان هم بکنند. این حرمان، شروع ارتباطی بهتر با مادرش می‌شود.



زیر آتش، داستان ناگفته تونی و گرو  
Underfire: the untold story of Pfc...  
کارگردان: ماکس لو کوویچ  
آمریکا ۲۰۱۶

۱  
مستندی از شبکه hbo که این روزها بیشتر به‌خاطر سریال‌هایش به‌خصوص «بازی تاج و تخت» و «وست‌ورد» شناخته می‌شود. کارگردان در این مستند قسمه یک اسطوره را روایت می‌کند. تونی واکارو در جنگ جهانی دوم در پیاده‌نظام حضور داشت. او دوربین ارزان قیمت قابل حمل و کوچک ۲۷ دلاری‌اش را همراه خودش می‌برد تا یکی از جامع و اشکارکننده‌ترین اسناد تاریخی از جنگ جهانی دوم را خلق کند. رابرت کابا مشهورترین عکاس جنگ زمانی گفته بود: «کسر عکس‌های‌تان به اندازه کافی خوب نیست، حتماً به اندازه کافی به سوژه نزدیک نبودید» و هیچ‌کس به اندازه مردی که سوژه‌ای مستند است نتوانسته به جنگ جهانی نزدیک‌تر شود.

روایت ورونیک لاگوار دسگو،  
تدوینگر فرانسوی از  
سینمای مستند ایران

مهم ترین شناخت من درباره سینمای مستند ایران، مربوط به کار مشترکی است که با مینا کشاورز انجام داده‌ام. من تدوینگر فیلم «در میان امواج» بودم و برایم جذابیت زیادی داشت تا از این طریق با سینمای ایران آشنایی پیدا کنم. البته واقعیت این است که اکثر فیلمسازان دنیا و کسانی که به نوعی در سینما فعالیت می‌کنند، با سینمای ایران آشنا هستند، اما به‌رحال داشتن یک تجربه ویژه کمک کرد تا بیشتر با نگاه و تفکر فیلمسازان ایرانی آشنا شوم. سینمای ایران از این جهت که خیلی عمیق به موضوعات می‌پردازد، قابل تحسین است. در واقع موضوعاتی که فیلمسازان ایرانی به آن می‌پردازند، جهان شمول است. در سینمای فرانسه، بیشتر مستندهایی که ساخته می‌شود برای مردم کشور خودمان جذابیت دارد؛ موضوعات داخلی است و همین باعث می‌شود تا در دنیا نگاه ویژه‌ای نسبت به فیلم‌ها وجود نداشته باشد. حوزه مورد علاقه من در مستند بیشتر موضوعات تاریخی و سیاست است. البته اگر موضوعات دیگری هم برایم جذابیت داشته باشد، به نوشتن و پرداختن به آن‌ها فکر می‌کنم. تا به حال تجربه ساختن دو مستند را هم داشتم و در حال حاضر فیلمنامه یک فیلم مستند را می‌نویسم که درباره چینی هنر است. فکر می‌کنم اگر بتوانم این مستند را بسازم به چیزی که همیشه دلتخوامم بوده، می‌رسم. ضمن این که من تدوین را جدی از فیلمسازی نمی‌دانم. از نظر من تدوین، هدیه‌ای را که کارگردان به مخاطب ارائه می‌کند، تبدیل به هدیه بزرگتر کرده و باعث می‌شود مخاطبان بهتر با آن ارتباط برقرار کنند. البته تدوین در سینمای مستند موضوع یکی از کارگاه‌های من بود که در این جشنواره برگزار شد. من نگرانی زیادی بابت جذاب بودن این کارگاه داشتم، اما باز خوردهایی که می‌بینم همگی خوب بوده. خوشحالم که آمدمم به ایران با انتقال این تجربیات همراه شد و علاوه بر این که با سینمای مستند ایران بیشتر آشنا شدم. تجربیات این سال‌ها را با علاقه‌مندان حوزه مستند در میان گذاشتم.



به حافظه‌تان تکیه نکنید. وقتی فهرستی از آدم‌ها تهیه کردید، یک دفترچه کنار بگذارید و نکات مهم را یادداشت کنید. مثلاً رویه‌روی اسم هر نفر، اطلاعاتی را که به شما داده است، بنویسید. واقعیت این است که حافظه همیشه نمی‌تواند شما را کمک کند و از یک جایی به بعد قدرتش را از دست می‌دهد، پس مکتوب کردن اطلاعات همیشه باید جزو اولویتهای شما باشد. اگر قرار است یک روایت شخصی از سوزه‌تان داشته باشید، باید سراغ سازمان‌های مرتبط با او بروید. مثلاً اگر سوزه درباره یک فرد پناهنده است، به سازمان حمایت از پناهندگان بروید و درباره او تحقیق کنید. شما باید این موضوع را ببینید که زوایای پنهان یک فرد از راه‌های مختلف پیدا می‌شود. اتکا به چند مورد محدود باعث می‌شود مستند شما جامعیت نداشته باشد.

راه‌های میانبر زیادی برای ساخت مستند وجود دارد. یک نکته مهم همیشه در رابطه با فیلم‌های مستند وجود دارد؛ اکثر فیلم‌های مستند بودجه محدودی دارند. پس یک راه مهم این است که شما با بودجه محدودتان بهترین استفاده را ببرید. به‌طور مثال اگر قرار باشد من فیلمی در مورد ایران بسازم، ترجیح می‌دهم تصاویرم را به جای این که از بی‌بی‌سی بگیرم، از یک بخش خبری دیگر تهیه کنم که هزینه کمتری برایم داشته باشد. ضمن این که در دنیای مجازی وبسایت‌های زیادی وجود دارد که تصاویر و اطلاعات مختلفی را به‌صورت عمومی و رایگان در اختیار شما می‌گذارند. خیلی از مستندسازها از این وبسایت‌ها بی‌اطلاع هستند. مثلاً جالب است بدانید که یکبار یک فیلمساز بزرگ برای من تعریف می‌کرد برای ثبت یک تصویر از راکوتی که شب‌ها در سطل آشغال دنبال غذا می‌گردد، سه شب منتظر مانده است، اما من همین تصویر را به وسیله وبسایت‌های مختلفی که آرشیوهای قوی دارند، در عرض ۲۰ ثانیه پیدا کردم. در دنیای امروز وبسایت‌ها، میانبرهای ارزانی هستند که شما را برای ساخت یک کار مستند کمک می‌کنند.

به باز خوردهای جهانی فیلم فکر کنید. اوه یانسن: کار کردن با اطلاعات آرشیوی در خلق صحنه‌های زیبا به شما کمک می‌کند و از طرف دیگر باعث می‌شود فیلم مستندان باز خوردهای جهانی داشته باشند. جالب این جاست که وقتی شما از صحنه‌های آرشیوی استفاده می‌کنید، قصه‌های دیگری از دل افرادی که در این تصاویر حضور دارند، پیدا می‌شود. این آدم‌ها هر کدام روایت‌های متفاوتی دارند که می‌توان به کمک روش‌های مختلف فیلمسازی به زندگی‌شان پرداخت. در سینمای مستند بارها به این موضوع اشاره شده که واقعیت اهمیت چندانی ندارد، بلکه چگونگی پرداخت به واقعیت‌هاست که سینمای مستند را جذاب می‌کند. این که چگونه از اطلاعات آرشیوی، تصاویر مهمی کشف کنیم، دقیقاً نکته طلایی سینمای مستند است. امیدوارم شما هم به این نتیجه رسیده باشید که در دنیای مستند، قصه‌های زیادی وجود دارد، اما این خلاقیت شماست که باعث می‌شود امضای خاص خودتان را در این سینما داشته باشید.

Magic of Archive Images in Making A Documentary

Today, there are many websites offer their archive films and images to documentary-makers/filmmakers for free. Documentaries represent events of a society and sometimes they portray a cut from a reality or an event from a far past. Making a documentary film about past seems very difficult task at first because all the information and images of people who were present at that time are not available, but this is not all the truth. Today there are many website who voluntarily help documentary-makers to use their image and film archive for their films, the special point is that they do this for free. In the festival's workshop which was held on Friday, the curator and audience talked about "Archive Films in Documentary Cinema" and two guests; Elizabeth Cling and Ooh Yansen had special talks about archive films and the role of research in this field.

فرد مورد نظر (سوزه) است. در واقع اگر قرار است شما پرتره کسی را بسازید، بهترین کار این است که در آرشیوهای شخصی او جست‌وجو کنید، فیلم‌های خانوادگی‌اش را ببینید و سعی کنید با دوستانش حرف بزنید. این در مورد پرتره افرادی که از دنیا رفته‌اند اهمیت زیادی دارد. اولین نکته مراجعه به آرشیوهای رادیویی است. صداها اصولاً منبع تاثیر گذاری هستند، بنابراین باید به آرشیوهای رادیویی توجه زیادی شود و از آن‌ها استفاده کرد. یکی دیگر از موارد پراهمیت در مورد افرادی که از دنیا رفته‌اند، پیدا کردن آگهی فوت آن‌هاست. در آگهی‌های فوت معمولاً مشخصات اصلی فرد نوشته می‌شود، ضمن این که از دوستان و آشنایان او تشکر می‌شود. شما به وسیله اطلاعاتی که در آگهی‌های فوت به دست می‌آورد می‌توانید افراد مرتبط را پیدا کنید و بعداً با آن‌ها گفت‌وگو کنید.

جادوی صدا

یک نکته طلایی در مورد تحقیق و پژوهش این است که شما نباید صدای تان را دست‌کم بگیرید! بله، این نکته شاید کمی عجیب به نظر برسد، اما صدا قدرتی دارد که شما متوجه آن نیستید. پس تلفن را بردارید و سعی کنید با صدای تان طرف مقابل را برای حرف زدن درباره سوزه مورد نظر متقاعد کنید. شما امکان دیگری مثل ایمیل هم دارید، اما جواب منفی دادن از طریق ایمیل بسیار راحت است، پس از بهترین ابزار پژوهش که همان صداست، استفاده کنید.

Introduction to Films



ایزابلا مورا  
Isabella Morra  
کارگردان: ایزابل باکلیایی  
فرانسه ۲۰۱۵

ایزابلا مورا در اوایل قرن شانزدهم در خانواده یک بارون ایتالیایی زاده شد. پدرش خیلی زود برای خوشگذرانی به فرانسه رفت و خانواده‌اش را با هشت فرزند رها کرد. ایزابلا تحت سلطه دو برادر کوتاه‌فکر حسودش بود. آن‌ها او را متهم کردند که با همسایه‌شان رابطه صمیمانه‌ای دارد و حکم به مرگ او دادند. ۶ سال بعد ترانه‌های ایزابلا منتشر شد و او حالا به عنوان یکی از مشهورترین شعرای دوره رنسانس شناخته می‌شود. آندره پیر، نویسنده قرن بیستم زمانی بر مبنای زندگی ایزابلا نوشته که این مستند برداشتی آزاد از آن کتاب است. شخصیت‌های اصلی مستند هم بچه‌هایی هستند که شاهد کنش و واکنش آن‌ها نسبت به هم هستند.



جانشین  
The successor  
کارگردان: ماتیا اپیفانی  
ایتالیا ۲۰۱۵

در اواسط دهه ۹۰ به نظر می‌رسد همه چیز زندگی مهندس ایتالیایی، وینو فونتانا مرتب و خوب است. او رییس کارخانه الکتریکی خوش‌نامی است که زمانی متعلق به پدرش بوده، اما یک بحران اگزیزستانسالیسمی عمیق باعث می‌شود ارتباط او با کارش و به تبع آن با پدر و خانواده‌اش نابود شود. ماجرا این است که فونتانا هیچ‌وقت نمی‌دانست بر سر محصولاتی که تولید می‌کنند، چه می‌آید تا این که متوجه می‌شود از مانسین‌های تولیدی آن‌ها در بخش‌هایی از بوسنی و هرزگوین برای نابودی بسیاری از زمین‌ها استفاده می‌شود. در حالی که دولت زیر بار مسئولیت این فجایع نمی‌رود، یک مرد ساده کارخانه‌دار حس می‌کند...

# دورخیز برای سکوی فیروزه‌ای

با معرفی نامزدهای دریافت جوایز در بخش‌های اصلی، حالا همه منتظر رونمایی دهمین جشنواره سینماحقیقت از برترین‌های نهایی هستند

امید صوری: حس دوگانه‌ای می‌توان تصور بود برای مستندسازی که صبح جمعه خود را با اطلاع از فهرست نامزدهای بخش‌های اصلی دهمین جشنواره سینماحقیقت آغاز کرد. عده‌ای با تکرار نام مستندشان در بخش‌های مختلف مشغول شده و برخی هم به واسطه جای خالی نام فیلم‌شان احتمالاً تلفیقی از حس افسوس و گلابه را تجربه کردند. هر دو هم حق دارند. بالاخره پای کسب معتبرترین جایزه سینمای مستند ایران در میان است و اتفاقاً لذت ورود به میدان حرفه‌ای هم‌اوردی با دیگر مستندسازان، منوط به پذیرفتن یک قاعده به ظاهر کلیشه‌ای اما در عین حال همیشگی است. دآوری یک انتخاب است و باید به آن احترام گذاشت.



نشریه روزانه دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش انگلیسی: سمیه قاضی زاده
- بخش بین‌الملل: صوفیا نصرالهی و سارا شمیرانی
- بخش خبری: محمد صابری
- عکس: مریم سعید پور

- تحریریه: لیلا علیپور
- سمیه علیپور
- سوسن سیرجانی
- عرفان جلالی
- زهرا عباسی
- محمد رضا کاظمی
- با تشکر از همراهی: مرجان فاطمی

- گرافیک و فنی: مدیر هنری: علیرضا ابراهیمی
- صفحه آرایی: فرهاد بذرافشان
- اجرای و هماهنگی: مریم رضوانی
- ویرایش عکس: محمد بذرافشان
- ویرایش و تصحیح: نجمه درز لو

- باسپاس فراوان از: مصطفی رزاق کریمی

- با تشکر از همراهی: حامد خورشیدی، محمود صادقلوی گیوی و علی اصغر لشنی

## یک انتخاب دشوار

استاد محمدرضا اصلانی، منوچهر شاهسوری، ارد زنده دکترا، فرشته حکمت، دکتر شهاب اسفندیاری، محمد مقدم و مهدی منیری داورانی بودند که باید از میان مستندهای حاضر در بخش ملی جشنواره دهم دست به انتخاب می‌زدند. جمع‌بندی نظر تخصصی همین جمع هم به فهرست نهایی نامزدهای بخش‌های اصلی رسید که براساس آن فیلم‌های «صفر تا سکو» با عنوان «آواتاز» و «هنا» با ۵ عنوان نامزدی، در صدر فهرست نامزدهای دریافت جایزه از دهمین جشنواره سینماحقیقت قرار گرفتند. مستندهای «بزم رزم»، «جمعه قالی»، «آن دو»، «آبی کمرنگ»، «راه بی عبور» با ۳ عنوان نامزدی و «رییس الوزرا»، «هت‌هت‌هت دایره بیستم» و «کوپریتو» هم با ۲ عنوان، رتبه‌های بعدی را از آن خود کردند. با این همه، هنوز قضاوت درباره فهرست نهایی برگزارکنندگان دهمین دوره جشنواره «سینماحقیقت» زود است و باید تا فردا و زمان برگزاری آیین اختتامیه منتظر ماند.

## چشم به راه اختتامیه

از میان بخش‌های جنبی جشنواره هم روز گذشته تنها نامزدهای بخش جایزه شهید آوینی با اجماع نظر علیرضا رضاداد، محمدعلی فارسی و مجید رجبی معمار به‌عنوان داوران این بخش اعلام شد. نامزدهای این بخش را



در جدول زیر می‌توانید بخوانید. نامزدهای بخش «بین‌الملل» هم تا پیش از برگزاری اختتامیه اعلام خواهد شد. اما برگزیدگان بخش «خرد و تجربه» و همچنین جوایز ویژه و ویژه دو بخش ملی و بین‌الملل بدون معرفی نامزد، در آیین اختتامیه معرفی می‌شوند.

## نامزدهای بخش ملی دهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت

عنوان جایزه	نامزدها
بهترین فیلم مستند کوتاه کارگردانی	جمعه قالی (مهدی اسدی)، غلام‌رضا (مصطفی امامی)، میراث گمشده (زنده باد حامد خسروی) و یک کیلو بال مگس (رضا سبحانی)
بهترین فیلم مستند نیمه بلند کارگردانی	آثار عجم (حسن نقاشی)، آن دو (ماجد نیسی)، اعتراض وار دنیست (فرناز و محمدرضا جورابچیان) راه بی عبور (محمدرضا حافظی)، والسی برای تهران (زیب تبریزی)
بهترین فیلم مستند بلند کارگردانی	آبی کمرنگ (آرش لاهوتی)، آواتاز (محمد کارت)، خوان بی خان (هادی معصوم دوست) صفر تا سکو (سحر مصیبی)، هت‌هت‌هت دایره بیستم (حسام اسلامی)، ننا (محمدرضا وطن دوست)
بهترین پژوهشگر	آزاده بی‌زار گیتی (نیمه پنهان ماه)، سعید توکلی فر (قنات قصبه گناباد)، سید وحید حسینی (بزم رزم) مهدی صادقی و مهراون فیروز بخت (کوپریتو)، سید محمدرضا هاشمیان (رییس الوزرا)
بهترین تصویربردار	مهدی اسدی، محسن سخا، مجتبی فرقدان (جمعه قالی)، محمدرضا حافظی (راه بی عبور) رضا عبیاتی (صفر تا سکو)، حجت طاهری (برندگان در سایه)، محمدرضا وطن دوست (ننا)
بهترین صدا	حسن شبانکاره (آن دو)، علی علوی و رامین ابوالصدق (صفر تا سکو)، آرش قاسمی (آواتاز و بزم رزم) حسین مهدوی (ننا)
بهترین تدوینگر	مهدی اسدی (جمعه قالی)، مهوش شیخ‌الاسلامی (آن دو)، اسماعیل علیزاده (آواتاز) آرش لاهوتی (آبی کمرنگ)، همیلا مؤید (صفر تا سکو)
بهترین نویسنده گفتار متن	ناصر حبیبیان (کوپریتو)، سید وحید حسینی و محدثه گلچین عارفی (بزم رزم) سید محمدرضا هاشمیان (رییس الوزرا)
بهترین موسیقی	نویدا افقه (ننا)، امین بهروززاده (صفر تا سکو)، افشین عزیزی (آبی کمرنگ) حسین میرزاقلی (روای آهنی)، صبان‌دایی (آواتاز)
بهترین فیلم (تهیه‌کننده)	آواتاز (محمد کارت و آبان عسگری)، راه بی عبور (محمدرضا حافظی) صفر تا سکو (مهتاب کرامتی و طهورا ابوالقاسمی)، هت‌هت‌هت دایره بیستم (حسام اسلامی)، ننا (محمدرضا وطن دوست)

## نامزدهای جایزه شهید آوینی دهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت

عنوان جایزه	نامزدها
بهترین مستند کوتاه (کارگردان)	آن مرد زنده است (علی نیکومنشی)، پسر م (محمد مهدی خالقی)، نبرد پالمیرا (ساسان فلاح فر)
بهترین مستند نیمه بلند (کارگردان)	آن دو (ماجد نیسی)، ابوالفضل نیستان (محمد تقی رحمتی)، خانه‌ام برای ست (رضا فرهمند)
بهترین مستند بلند (کارگردان)	آبی کمرنگ (آرش لاهوتی)، انحصار و رتبه (محمدعلی شعبانی)، بزم رزم (سید وحید حسینی) بلتا (سعید محسن یوسفی)، صدای سکوت (پناه‌بر خدای ضایعی)
جایزه ویژه مدافعان حرم	ایرانیان مرشد (حمید عبدالله زاده)، پسر م (محمد مهدی خالقی)، شام آخر (محمد قانع فرد)

# کاشانه 7

پرونده روز:  
مستند های پرتره

نمایی از مستند رییس الوزرا که با موضوع زندگی احمد قوام ساخته شده است



## آدم ها و قصه ها

به بهانه حضور ویژه مستند های پرتره در کنکادهمین جشنواره «سینما حقیقت»

محمدصابری

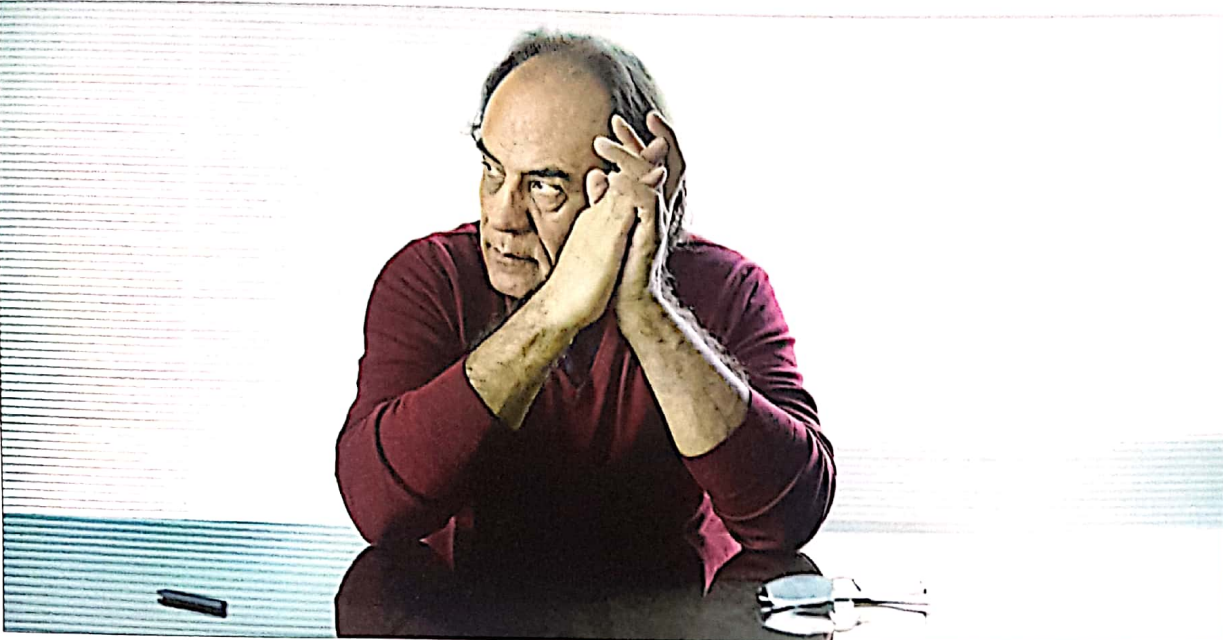
M.Saberi@gmail.com

که به اروپا مهاجرت کرد و به مرگی خود خواسته تن داد و یا فیلمی که جوادطوسی در ستایش از مسعود کیمیایی ساخته و در جشنواره امسال به نمایش درآمد اما شاخص ترین اثر در این میان را هم می توان آخرین میراث تصویری به یادگار مانده از زندیاد کیارستمی یعنی تازه ترین مستند سیفانله صمدیان دانست. «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» نه فقط یک مستند پرتره که روایتی است بی واسطه از ناگفته ها درباره یک فیلمساز تاثیرگذار در سینمای داستانی و مستند ایران فیلمسازی که صراحتا می گفته «دوربین مثل قلم خوشنویسی است. اگر بخواهید خطاط خوبی باشید باید دائم بنویسید اگر بخواهید چشم خود را پرورش دهید باید دائم نگاه کنید و در آخر دوربین در دست بگیرد» و این خلاصه تعریفی است که عباس کیارستمی از سینمای محبوبش از ایه می کرده. به همین بهانه در پرونده حاضر ضمن مرور برخی از مهم ترین مستند های پرتره حاضر در جشنواره امسال، به بازخوانی و مرور دیدگاه های عباس کیارستمی به سینما پرداخته ایم. تا شاید خروجی اش ارزش افزوده ای برای علاقه مندان به فیلمسازی و روایتگری درباره آدم ها و قصه های شان به خصوص در قالب سینمای مستند داشته باشد.

نیستند و از هنرمند تا سیاستمدار را شامل می شوند. پرتره ها نه در ایران که در سینمای مستند جهان از برپیننده ترین و جنجالی ترین گونه های سینمای مستند هستند. مستند های پرتره عموما زوایای نامکشوفی از زندگی بزرگان را برای تماشاگر افشا می کنند که موجب می شود این نوع از سینمای مستند از جذابیتی همپای سینمای داستانی برای عموم مردم برخوردار شوند. بی جهت نیست که بخشی از تولیدات شبکه های تلویزیونی معتبر در سراسر جهان اختصاص به پرتره های مشاهیر دارد. بخش پرتره جشنواره سینما حقیقت هم در دوران حیاتش همیشه از پر مخاطب ترین و جذاب ترین قسمت های این جشنواره بوده است. امسال هم بخش پرتره رونق دوچندانی داشته است. فیلم های متفاوتی در این بخش به نمایش گذاشته شده اند که هر کدام بازنایب های متفاوت و البته گسترده ای به همراه داشته اند. مثل فیلم رییس الوزرا که درباره یکی از مهم ترین و شاخص ترین سیاستمداران دوره قاجار و پهلوی یعنی احمد قوام است. یا فیلم جنجالی لخصار ورنه که زاویه دید متفاوتی نسبت به شهید آوینی اتخاذ کرده است. همینطور سفر سهراب مستندی درباره سهراب شهید ثالث فیلمساز شهیر دهه ۱۵۰ ایران

آدم ها و قصه های شان همواره جذابند. چه در قامت یک شخصیت خیالی در دل یک داستان و چه در عالم واقعیت. اما واقعی ها توان ویژگی های برای رقابت با خیالی ها دارند. این ها پای سر زمین دارند و تجربه بی واسطه زندگی با تمام فراز و فرودها، آن ها را چیزی از جنس خودمان (مخاطبان) کرده است. حالا اگر روایت این آدم های واقعی با زبان تصویر آمیخته شود، ضریب تاثیرگذاری آن هم دوچندان می شود. مستند «پرتره» در واقع همین قسه گویی درباره آدم های واقعی به زبان تصویر است. مستندهای پرتره بسیاری توانسته اند با «روایت درست» ماندگار شوند و این درست بودن تنها شرط لازم برای ماندگار شدن این جنس روایت است. جشنواره دهم سینما حقیقت از منظر حضور و نمایش مستندهای پرتره، جشنواره ای ویژه است. جشنواره ای که در ترکیب فیلم های حاضر در بخش های مختلف می شد رونمایی از روایت آدم ها پیدا کرد و نکته مهم تر هم این است که این آدم ها محدود به دایره خاص و محدودی





# قصه گوئی در مرز واقعیت و رویا

میراث عباس کیارستمی در سینمای مستند به روایت سیف الله صمدیان

اگر در باره همراهی و دوستی دور و درازش با عباس کیارستمی هم هیچ نمی دانستیم، تماشا می کردیم دو مستند «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با کیارستمی» و «روزی روزگاری در مراکش» کافی است تا شهادت دهیم که سیف الله صمدیان از معدود افرادی است که می تواند تصویری بدون رتوش از خالق «گلوز آب» و «لمع کلاس» برای مان ترسیم کند. همین ویژگی هم بهانه ای شد تا سراغ صمدیان برویم و در مقام مستندسازی با سابقه به بازخوانی میراث به یادگار مانده از زنده یاد عباس کیارستمی بپردازیم.

- بزرگترین کاری که آدم هایی مثل کیارستمی در سینمای داستانی می کنند این بود که با استاندارد به هویت انسانی، فیلم می ساختند. بر خلاف کاری که مستندان بیشتر مستندسازان ما می کنند و صرف های خودشان را در لوکیشن های خاص در دهان آدم هایی می گذارند که فرمولی تبدیل به یک هوک می شود

می شد، می گفت برای من فیلم خوب و بد معنایی ندارد، این که فیلمی مستند است یا داستانی برایم مهم نیست، این ها زمانی معنی پیدا می کند که بپرسم فیلم باورپذیر هست یا نه؟ حالا می خواهد فیلمی بر پایه رویا از سینمای فلیتی باشد یا یک داستان رئالیسم جادویی به قلم مارکزا می گفت وقتی باورپذیر باشد، یعنی درست است. بر همین اساس هم می گفت هستند فیلم هایی که بر مبنای واقعیت تولید می شوند، اما چون باورپذیر نیستند، فیلم خوبی نمی شوند. این باورپذیری مخاطب آن قدر در سینمای کیارستمی نهادینه بود که به جرات می توانم بگویم تنها فیلمساز بعد از انقلاب است که کدها و رسومات مرسوم در سینمای پس از انقلاب به خصوص در زمینه پوشش خانم ها هم تغییر در رویکردش به سینما نداد و بدون آن که بخواهد شعار و بیانیه سیاسی بدهد، ترجیح داد زنی را در خانه به تصویر نکشد که بخواهد پوششی غیر قابل باور برای او در نظر بگیرد. این قدر احترام به باورپذیری

به صورت عمدانه مشخص نیست. گاهی خاطر م هست بر سر این موضوع با هم بحث می کردیم، به شخصه اعتقاد دارم که ما اگر از زاویه نگاهی خاص به زندگی و پیرامون خود نگاه کنیم، دیگر نیازی به بازسازی نیست و به تعبیری زندگی آنقدر هنرمندانه همه چیز را پیش می برد که حتی اگر فیلمنامه نویس نابغه ای هم باشیم، نمی توانیم بهتر از آن را خلق کنیم. اما آقای کیارستمی بدون این که با این نگاه مخالفت کند، معتقد بود گاهی واقعیت زندگی آن قدر غیر قابل باور است که باید کمی پروبال آن را قچی کنیم تا برای مخاطب قابل باور باشد.

یعنی می توان گفت عباس کیارستمی مستندساز مدامی بود که در مواردی به دلیل ناگزیر شدن در دست بردن در واقعیت زندگی، سراغ سینمای داستانی می رفت؟

بله، چراکه اصل فیلمسازی عباس کیارستمی بر «باورپذیری» استوار بود، وقتی صحبت از فیلم بد و خوب

در کارنامه عباس کیارستمی می توان مرزی میان آثار مستند و داستانی تصور کرد؟

این نکته ای است که خود عباس کیارستمی در ورکشاپ هایی که از ایشان به یاد دارم، پاسخ داده است، به ویژه در کارگاه ۱۰ روزهای که در همین مستند «روزی روزگاری در مراکش» آن را ثبت کردیم. از زبان خودشان این تعبیر هست که اصولا همه فیلم های داستانی یک بستر مستند دارند و همه مستندهای خوب حتما یک بستر داستانی دارند. شاید شنونده این جمله ابتدا احساس تضاد بکند، اما واقعیت این است که ما در سینمای داستانی با وجود قابلیت که ظاهرا واقعیت بارویا دارد، به وضوح شاهد تلاش فیلمسازان برای نزدیک شدن به شرایط واقعی هستیم، حتی در مواردی در ابتدای فیلم می نویسند «بر اساس یک داستان واقعی» تا به گونه ای داستان خیالی خود را به واقعیت نزدیک کنند و امتیاز بگیرند. در سینمای عباس کیارستمی تفاوت این دو اصلا

## مهم ترین مستند های پرتیر جشنواره دهم سینما حقیقت

نام فیلم	سوره فیلم	نام فیلم	سوره فیلم	نام فیلم	سوره فیلم
سفر سهراب	سهراب شهید ثالث	روزگار بهروز	بهروز رضوی	سلطان محمد نقاش	سلطان محمد نقاش
نمی توان تاریخ سینمای معاصر ایران را مرور کرد و سهمی برای سهراب شهید ثالث و میراث نه چندان پر شمارش در سینمای ایران قائل نشد. «سفر سهراب» به کارگردانی امید عبدالهی اگرچه بر بازه ای خاص از زندگی این فیلمساز متمرکز است و تلاش دارد تصویری از سال های میان دو سفر سهراب شهید ثالث یکی به مقصد ایران و دیگری از مبدا ایران ارایه کند، اما با بررسی و تحلیل دو اثر مهم این فیلمساز رسیده، تصویری به نسبت جامع از فضای ذهنی و نسبت این فیلمساز با سینما و زندگی به دست می دهد و مخاطب می تواند به شناختی کلی از این فیلم ساز دست پیدا کند.	از هنرمندان فعال در عرصه صدا بیش از میراث تصویری، «صدا» به یادگار می ماند و مستندسازی پرتیر به باره صدایبندگان در واقع بهانه و فرصتی است برای ثبت میراثی تصویری از این هنرمندان. «روزگار بهروز» به کارگردانی ابوالفضل توکلی مستندی از همین جنس است که با تمرکز بر خاطرات بهروز رضوی از هنرمندان پیشکسوت و گوینده محبوب رادیو به تصویر درآمده است. در میان صدایبندگان بهروز رضوی جزو نسلی است که خاطره سازی مهم ترین هنرشان بود و مستندی که حالا ابوالفضل توکلی در باره روزگار و زمانه این هنرمند به تصویر درآورده می تواند تبدیل به خاطرهای دیگر از جنسی متفاوت شود.	مستند «سلطان محمد نقاش» به کارگردانی سیدوحید حسینی درباره زندگی یکی از مشهورترین نقاشان مکتب دوم نگارگری تبریز به نام «غلام الدین سلطان محمد نقاش» تولید شده و به بررسی تابلوی معروف معراج حضرت محمد(ص) می پردازد. این هنرمند بزرگ ایرانی که آثار درخشانی در موزه های مطرح جهانی از جمله متروپولیتن (نیویورک)، کتابخانه و مکتوریا (لندن) و... دارد، به تعبیری نقش سفیر فرهنگ و هنر ایران در مقللمی از زمان را داشته است. روایت سیدوحید حسینی از زندگی و زمانه این هنرمند، با تمرکز بر یکی از آثار ماندگارش در جشنواره امسال سینما حقیقت روی پرده رفت و مورد توجه قرار گرفت.			

در سینما، برای عباس کیارستمی حائز اهمیت بود. البته این به معنای بی احترامی به فیلمسازانی که رویکرد دیگری داشتند، نیست، صرفاً می‌خواهم بر اهمیت این نکته در رویکرد شخصی عباس کیارستمی به سینما تأکید کنم.

وقتی درباره سینمای مستند صحبت می‌کنیم یکی از نخستین موارد بحث سوژه بایستی است. با توجه به توصیفی که از مواجهه عباس کیارستمی با سینما داشتید، فرآیند سوژه‌یابی در آن چه ویژگی‌هایی داشت و چگونه اتفاق می‌افتاد؟

طبعاً آدمی مثل عباس کیارستمی اساساً شاخک‌های حسی قوی، هم برای قصه‌گویی و هم برای قصه شنیدن داشت. به عنوان مثال قرار ملاقاتی با محسن مخملباف به دلیل دیگری داشت که همان جا مطلع می‌شود مجله سرش در حال دنبال کردن سوژه جوانی به نام حسین سبزیان است که در یک خانواده‌ای خودش را مخملباف معرفی کرده است. در نخستین مواجهه هر کسی احساس می‌کند با یک سوءاستفاده مالی و اخاذی طرف است، اما کیارستمی چنین نبود و آن قدر هوشمند بود که همان‌جا قرارش با مخملباف را به هم زد، چرا که می‌دانست این داستان به هر سرانجامی برسد، یک واقعیت ناخوشایند می‌داد. هر دلیل و بیانه‌ای برای این فرد بعد و ویژه‌ای به این داستان می‌داد و این کیارستمی بود که توانست این داستان ساده را که می‌توانست در حد یک خبر پاورقی باقی بماند، تبدیل به یک داستان ابدی برای تاریخ سینمای جهان کند. آن قدر هم هنرمندان در مرز میان واقعیت و روایت در این فیلم قدم می‌زنند که حتی صحنه‌هایی که در مقام مخاطب می‌دانیم ساختگی است، برای مان پاورقی می‌شود. این ناشی از اشراف و شناخت نسبت به موقعیت انسان هاست که هر فیلمسازی چنین نعمتی را ندارد.

و این نگاه و اشراف محدود به سینمای مستند هم نبود. بله به عنوان مثال برای انتخاب کاراکتر پیرمردی که قرار بود دیالوگ پایانی فیلم طعم گیلان را به شخصیت اصلی بگوید، خاطر م هست عباس کیارستمی می‌گفت صمد آقا این منی که من برای پایان طعم گیلان درباره شیرینی زندگی و حیات نوشته‌ام را اگر در هر محفل روشنفکری می‌خوانم بخوانم، به من می‌خندیدند که کیارستمی می‌خواهد این شماره‌ها را در سینما مطرح کند! می‌گفت این‌ها نمی‌دانستند چه چیزی مدنظر من است. خیال می‌کردند یک بازیگر اتوکشیده و فارغ از این ترکیب کلمات قرار است این جمله‌ها را بخواند، اما من دنبال فرد دیگری بودم، حتی صدایساز فیلم را گریم کردیم تا شاید او بتواند نقش را بازی کند که در همان هنگام فیلمبرداری در تپه‌های دارآباد ناگهان با پیرمردی مواجه شدند که معترض شده بود این‌جا چه می‌کنید و چرا هر روز این‌جا جمع می‌شوید! کیارستمی می‌گفت از لحن و نوع بیانی که شروع کرد با ما برخورد کند، گفتم خود جنس است و این کلمات را در دهانت گذاشتم و حاصلش شد چیزی که از روشنفکر گرفته تا مخاطب عادی و دانشجو و مذهبی، فارغ از هر واکنشی آن را باور کرد. بزرگ‌ترین کاری که آدم‌هایی مثل کیارستمی در سینمای داستانی یا مستند می‌کردند همین بود که با استناد به هویت انسانی فیلم می‌ساختند. برخلاف کاری که متأسفانه بیشتر مستندسازان ما می‌کنند و حرف‌های خودشان را در لوکیشن‌های خاص در دهان آدم‌هایی می‌گذارند که خروجی تبدیل به یک جوک می‌شود. زندگی واقعی را می‌کشند بعد می‌خواهند بر اساس آن مستند بسازند. این یک واقعیت است که در یک فضای واقعی با آدم‌های واقعی هم شما می‌توانید فیلمی بسازید که زندگی در آن کشته شده است. باید این درک را داشته باشیم که هر چیزی باید جای خود به کار برود.

# رازهای

## کیارستمی شدن

**سفارش‌هایی ویژه از میراث تجربیات عباس کیارستمی که برای مستندسازان جوان به یادگار مانده است به روایت صمدیان**

سیف‌الله صمدیان تجربیات مشترک و خاطرات بسیاری از دغدغه‌های شخصی و سینمایی عباس کیارستمی دارد. خاطراتی سرشار از نکته‌های ناب و کلیدی برای ترسیم مسیری که کیارستمی در سال‌های عشق بازی‌اش با سینما آن را پیمود و به قله مرتفعی که به نام او در تاریخ سینمای ایران و جهان به ثبت رسید، منتهی شد. وقتی از صمدیان خواستیم بخشی از این رازهای کلیدی را از خیل این تجربیات برای بهره‌مندی مستندسازان جوان با مادر میان بگذارد، به سه نکته اشاره کرد:

### 1 مستقل باشید

فیلمساز بیش از هر چیز باید خودش باشد، باید مستقل باشد و استقلال را به صورت ذاتی در خود حفظ کند. این مهم‌ترین ویژگی عباس کیارستمی بود.

### 2 صادق باشید

مستندسازان هر آن چه می‌خواهند بگویند را باید به صورت کاملاً صادقانه مطرح کنند و به مصلحت‌های روز و الودگی‌ها و سیاست‌زدگی‌ها دچار نشوند. اگر درباره یک بالش می‌خواهید فیلم بسازید، همان قدر باید صادق باشید که زمانی که درباره یک معضل اجتماعی قصد فیلمسازی دارید. بر خورد مستندساز با تمام بدیده‌ها باید فارغ از هر گونه حساب و کتاب و بده‌بستان مادی باشد.

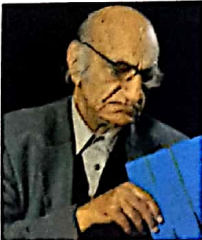
### 3 نگاه نکنید؛ ببینید!

نکته‌ای همواره مورد تأکید عباس کیارستمی بود که اصل آن را یک عکاس مجاری‌الاصل مطرح کرده که بسیاری عکاسی حرفه‌ای را مدیون او می‌دانند. این عکاس مجاز می‌گوید: «بسیاری از مردم نگاه می‌کنند، اما عده‌ای اندک می‌بینند.» مستندسازان باید سعی کنند جزو این عده اندک بیننده‌ها باشند. همان طور که عباس کیارستمی یک عمر به جای این که نگاه کند، همه جزئیات خلقت را دید.



نام فیلم	سوره فیلم
یک عمر در گهواره	باستانی پاریزی

هر چند مستند «یک عمر در گهواره» مستند تازه‌ساختی نیست و امسال به بهانه مرور سینمای مستند کرمان در جشنواره به نمایش درآمده، اما از مستندهای پرتره مهم جشنواره محسوب می‌شود. مستندی که بعد از پنج سال پژوهش و تصویربرداری در شهرهای تهران، کرمان، سیرجان و یازب به کارگردانی سیدحمید میرحسینی آماده نمایش شد و سوژه محوری آن استاد محمدابراهیم باستانی پاریزی است. این مستند ۴۰ دقیقه‌ای روایتگر زندگی پرفرازونشیب مرحوم باستانی پاریزی مورخ، نویسنده، پژوهشگر، شاعر، موسیقی‌پژوه و استاد بازنشسته دانشگاه تهران است.



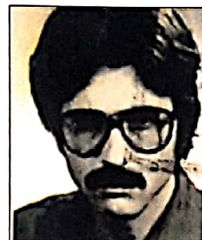
نام فیلم	سوره فیلم
قهرمان آخر	مسعود کیمیایی

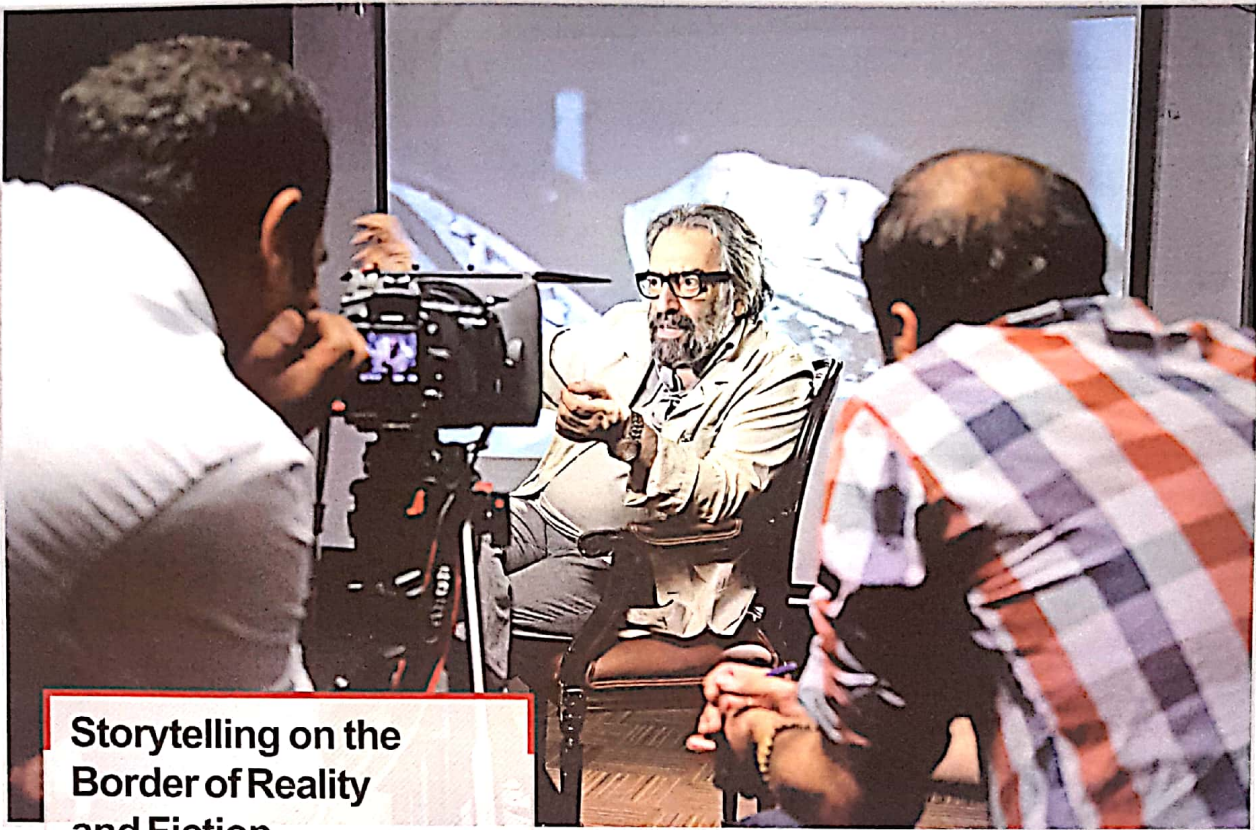
سینمای مسعود کیمیایی علاوه بر تمام شاخصه‌هایی که می‌توان برای فرم و محتوای آن قائل بود یک مشخصه فرامتنی هم دارد و آن علاقه‌مندی ویژه جواد طوسی از منتقدان شناخته‌شده و باسابقه سینمای کشور و از هم‌نسلان این فیلمساز است. حالا آقای منتقد خودرادی فیلمسازی برتن کرده و روایتش از کارگردانی که او را «قهرمان آخر» می‌داند، به تصویر درآورده است. تحلیل کارنامه و شخصیت مسعود کیمیایی از نگاه جواد طوسی حتماً اتفاقی ویژه است که در قالب این مستند ماندگار شده و نه فقط در فرصت جشنواره دهم سینماحقیقت که تا سال‌ها می‌تواند محل رجوع قرار بگیرد.



نام فیلم	سوره فیلم
انتحار ورثه	سیدمرتضی آوینی

مهم‌ترین امتیاز لازم برای دیده‌شدن یک مستند با سوژه‌ای به ظاهر کلیشهای «حرف تازه» است. پرداختن به زندگی و زمانه شهید سیدمرتضی آوینی از ناشناخته‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر هم یکی از همین سوژه‌هاست که از نظر تعدد مستندسازی می‌توان آن را کلیشهای قلمداد کرد، اما روایتی که محمدعلی شعبانی توانسته از زبان دوستان و نزدیکان این شهید در قالب مستند «انتحار ورثه» به ثبت برساند، چیزی از جنس همان «حرف تازه» است. تصویر شهید آوینی در این مستند را می‌توان از ناب‌ترین و بکرترین روایت‌ها از سیدشهیدان اهل قلم دانست که رونمایی از آن در دهمین «سینماحقیقت» هم مورد توجه قرار گرفت.





## Storytelling on the Border of Reality and Fiction

**H**eritage of Abbas Kiarostami in Documentary Cinema narrated by Seyfollah Samadian If we didn't know about the deep and long friendship of him with Abbas Kiarostami, watching two documentaries of "76 min. and 15 sec. with Kiarostami" and "Once Upon A Time in Morocco" is enough to confess that Seyfollah Samadian is one of the rarest people who can present us an unedited image from the creator of "Close-up" and "Taste of Cherry". This specialty made us to talk with him about the remained heritage of Abbas Kiarostami. Is there any border between documentaries and feature films of Abbas Kiarostami? This is the point that he himself answered it in his 10-day workshop in Morocco and I recorded it in "Once Upon A Time in Morocco" documentary. He said that basically all the feature films have a documentary base and all the good documentaries must have a feature base. Maybe the audience feels contrast at first but the reality is that in dramatic cinema we see that the filmmakers try hard to be close to documentary atmosphere. Even we see in the beginning of the films that this is based on a true story to close their dreams or their story to reality and get score but in Kiarostami's cinema, the difference is not determined deliberately. However, for him rather than a good or bad film, being believable was important.

## Sohrab's Journey/Sohrab Shahid Saleth



We cannot review Iranian contemporary cinema and don't mention to the colorful role of Sohrab Shahid Saleth while his works in his career are not numerous. "Sohrab's Journey" directed by Omid Abdollahi emphasized accurate time from his life and he has tried to present an image of him between his journeys from and to Iran while he has also tried to consider and analyzed his works' atmosphere, also his career and his life.

## Entail/Seyed Morteza Avini



The most important advantage for being watched for a documentary with a subject apparently cliché is to have "New Words". Talking about the time and life of "Seyed Morteza Avini" who is one of the most-known characters of contemporary history is one of these subjects that can be assumed as cliché but narrative of Mohammad Ali Shabani could register something new by using his friends, relatives and family members talks in his documentary.

## Last Hero/Masoud Kimiayi



Masoud Kimiayi's cinema has different characteristics which is different from form and content; this is Javad Tousi's (the famous veteran film critic) interest to his cinema who is in the same age of the filmmaker. Now, the film critic dressed as a filmmaker and presents his narrative from his favorite director Masoud Kimiayi in "Last Hero". Analysis of his career and his personality from the eyes of Javad Tousi for sure is a special event which is portrayed in Cinema Verite Festival.

## Soltan Mohammad Naghash



Soltan Mohammad Naghash documentary directed by Seyed Vahid Hosseini is about one of the most famous painters of Tabriz named "Nezamoddin Soltan Mohammad Naghash" and considered the famous tableau of "Ascension" of Mohammad, the Great Prophet (PBUH). The great Iranian artist who has authentic works in great art museum in the world like New York Metropolitan or London Victoria Library, had the role like the culture and ambassador of Iran.